

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۳۷، سه شنبه اول مرداد ۱۳۹۲ - ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۳

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر یویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- ولایت فقیه، زیر ضرب یا در حال پیشروی؟ - منصور امان...ص ۲
- دفاع ولی فقیه از کسی که فقر را عمومی کرد - زینت میرهاشمی...ص ۵
- گزارشی از کنفرانس "سوسیالیسم ۲۰۱۳" در شیکاگو - آمریکا - لیلا جدیدی...ص ۷
- سقوط دولت ارتجاعی مرسى منتج از خیزش انقلابی توده ها - آناهیتا اردوان...ص ۱۴
- مصر: انقلاب مردمی، نه یک بحران یا کودتا! - نوال السعداوی - برگردان: آوا بیات...ص ۱۹
- خصوصی سازی متکی بر رانت، تحکیم استبداد (۷) - شهره صابری...ص ۲۲
- تفسیر «غلط، بد و خطرناک» - مهدی سامع...ص ۲۳
- خبرگزاری فرانسه: افشای یک سایت مخفی جدید هسته یی رژیم توسط مجاهدین...ص ۲۵
- برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در تیر ۱۳۹۲ - زینت میرهاشمی...ص ۲۶
- چالش‌های معلمان در تیر ماه - فرنگیس بایقره...ص ۳۲
- زنان در مسیر رهایی - آناهیتا اردوان...ص ۳۵
- رویدادهای هنری ماه - لیلا جدیدی...ص ۴۰
- خواسته های فوری و پایه ای نیروهای کار...ص ۴۶
- "طلوع خونین" - م . وحیدی (م . صبح)...ص ۴۷
- "زمزمه آبی ها" - م . وحیدی (م . صبح)...ص ۴۸
- فراسوی خبرها...ص ۴۹
- شهدای فدایی مرداد ماه...ص ۵۲
- مادر سعید زینالی: مسئولان قول داده‌اند پس از ۱۴ سال سرنوشت پسر را به من بگویند...ص ۵۲
- در سوک درگذشت حسین رضایی - مهدی سامع...ص ۵۳

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

ولایت فقیه، زیر ضرب یا در حال پیشروی؟

منصور امان

با پایان یک دور کشمکش بر سر پُست ریاست جمهوری، جدالهای درونی در دستگاه قُدرت جمهوری اسلامی وارد مرحله تازه ای شده است. برای باندی که آقایان رفسنجانی و روحانی بدان تعلق دارند، وظایف مُقدم، تحکیم پیروزی به دست آمده، بهره وری از آن در شکل نتایج مادی و در انتها تثبیت توازن موجود است. در مُقابل، باند ولایت اینک هیچ دستور کار فوری تری از محدود نگه داشتن دامنه شکست سیاست یکدست سازی، جلوگیری از به عقب رانده شدن بیشتر و حفظ ابزارها و امکانات تاثیرگذاری و خُنثی سازی ندارد.

تحلیل سیاسی و وظایف تاکتیکی

شکل گیری این آرایش به معنای ژرفش شکافها در "بالا" و حرکت آن به سمت ایجاد فاکتهای جدید و در "پایین" به مفهوم تشدید آن دسته تضادهای اجتماعی است که زیر فشار آنها "أصولگرایان" ناچار به عقب نشینی شده و باند مغلوب میدان یافته است. همانگونه که پیداست، نُقطه عزیمت این تحلیل، نگاه به نتایج نمایش انتخابات ریاست جمهوری به مثابه برآمد یک وضعیت مُشخص، مُستقل از اراده حاکمان و تاثیر پذیرفته از فاکتورهای فعال سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بین المللی است. برعکس، هر گاه فرض بر آن گرفته شود که جابه جایی در دستگاه قُدرت، محصول تدبیر یا دسیسه ای است که خود اندیشیده و چیده است، در این صورت چشم انداز تحولات در "پایین" و "بالا" نیز به گونه کاملاً متفاوتی ترسیم خواهد شد. در "بالا" تصور این خواهد بود که تضادها تخفیف یافته، بُحران سیاسی فرو می نشیند و مسیر برای اتخاذ تصمیمهای کلان در پهنه هسته ای و توزیع قُدرت سیاسی - اقتصادی هموار می شود. به همین گونه فرض بر این گرفته می شود که در "پایین"، تضادها به مسیرهای متفاوتی تغییر جهت داده خواهند شد که در یک ویژگی اشتراک دارند و آن گذر از کنار حُکومت یا با کمترین تاثیر گذاری بر آن است. به بیان دیگر، حُکومت قادر به مدیریت جامعه از طریق ایجاد توهم "تغییر" به سود آنها می شود و در نتیجه بخشهای فعال و پیشرو آن را نیز مُنفعَل می کند.

در پهنه عمل، هریک از این دو تحلیل، وظایف تاکتیکی به کُلی متفاوتی را در برابر حاملان نشان قرار می دهند. از آنجا که دیدگاه مُبتنی بر توطیه، از خُروجی نمایش انتخابات، نیرومند تر شدن سیستم حاکم را نتیجه می گیرد، بنابراین دستور کار خود را نیز باید بر اساس اُفت جنبشها و اعتراضهای اجتماعی، عقب نشینی نیروها و مُدافعان سرنگونی، بسته شدن امکانات ناشی از شکافها در دستگاه قُدرت و در مجموع کاهش تضادهای فعال تنظیم کند. در چنین صورتی، طبیعی به نظر می رسد که بخشی از نیروهای این جبهه، به انفعال خود در برابر شرایط موجود، با شُعارها و برنامه های هرچه خیالپردازانه و به ظاهر رادیکال تر توازن ببخشند.

از سوی دیگر، دیدگاهی که نتیجه نمایش انتخابات را بیان مُستقل تضادهای و ناهمگونیهای فعال شده در سطح جامعه و در لایه حُکومت و تاثیر مُتقابل آنها بر یکدیگر تحلیل می کند، نه فقط باند بازنده در انتخابات، بلکه مجموع "نظام" را در حال عقب نشینی می بیند. بر این اساس، ارزیابی مزبور شکل گیری امکانات و گستره های بیشتری برای فعال شدن بخشهای گوناگون جامعه و طرح خواسته ها و مُطالبات شان به ویژه در بخشهای پیشرو را در اُفق رویدادهای آینده ثبت می کند. بنابراین، وظایف تاکتیکی این دیدگاه نیز ماهیتی مُداخله گرایانه می یابد و تاثیرگذاری بر رویدادها، تحرُک گرد مُطالبات و سمت و سو بخشیدن به آنها، ارتباط و هدایت نیروهای فعال شده، اشغال و بهره گیری از فضایی که حُکومت در هر گام عقب نشینی به جا می گذارد و جُز آن را آماج خود قرار می دهد.

عقب نشینی به عنوان برنامه و سیاست

بسا بهتر از گمانه زنی در باره توافقاتها و یا جدالهای پشت پرده، روند رویدادها و گزینه هایی که هر یک از بازیگران به میدان می آورد، می تواند آشکار سازد پروسه ای که رژیم ولایت فقیه در دل آن قرار دارد، به سوی تضعیف یا تقویت آن در حرکت است.

نخستین چالش انتظار پذیری که دستگاه حاکم به درون آن غلتیده، چینش اعضای دولت است. به همان میزان که به هنگام آغاز کار رسمی دولت جدید نزدیک تر می شود، کشمکش بر سر تقسیم سهم و نفوذ در آن افزایش یافته و لحن طرفهای دارای نفع، خشن تر می شود. آنگونه که از اطلاعات لاسه شده - از سوی باند آقای رفسنجانی - برمی آید، آیت الله خامنه ای و بیت او به سختی بر نگه داشتن ۳ وزارتخانه اطلاعات، کشور و خارجه در کنترل خود و همچنین انضمام وزارتخانه های علوم و ارشاد بدانها، پا می فشارند.

هدف "رهبر" از نشان دادن مهره های خود در وزارتخانه های کلیدی، دیکته سیاست به دولت و داشتن افسار آن در دست است. این یک تاکتیک شناخته شده است که در مورد دولتهای پیشین نیز به کار گرفته شده تا از آنها "تدارکچی" دستورها و خواسته های "مقام معظم" بسازد. تفاوت پروسه اجرایی شدن تاکتیک مزبور در حال حاضر با دوران دولتهای آقایان خاتمی و احمدی نژاد در این است که این بار نه فقط موضوع دخالت "آقا" در ترکیب کابینه علنی شده، بلکه به ظرفی برای چالش و کشمکش تبدیل گردیده است.

در دو دوره ریاست جمهوری رهبر اصلاح طلبان حکومتی، حُجّت الاسلام خاتمی، تشکیل کابینه با چنین چالشی روبرو نبود و دست اندازی آقای خامنه ای به کابینه مورد تفاهم و پذیرش قرار داشت. در دوره هشت ساله ریاست آقای احمدی نژاد بر قوه مجریه، تنها در میانه دوره دوم بر سر وزیر اطلاعات و خارجه کشمکشی در گرفت که در نهایت با تسلیم وی جمع شد.

تغییر سیاست

علت قرار گرفتن این "سنت" بوروکراتیک غیر رسمی اما رایج در کانون مُشاجره را ابتدا باید در تاثیر خرد شدن اقتدار ولی فقیه در جریان خیزشهای ۸۸ و در نتیجه شکست سیاست قبضه ی قدرت و یکدست سازی آن جستجو کرد. آنچه که پیش از این یک امتیاز بدیهی و به رسمیت شناخته شده برای "رهبر" به شمار می رفت، پس از قیام توده ای علیه آقای خامنه ای و "اصل ولایت فقیه"، ابتدا توسط گماشته او و اینک از سوی برندگان نمایش انتخابات به باد پرسش گرفته شده است. علت دیگر، مضمون تحولات در ساختار قدرت است که از تغییر افراد فراتر می رود و تغییر سیاست را در دستور کار آن گذاشته است. نه بحران سیاسی و نه بحران اقتصادی - معیشتی بدون واگذاشتن سیاستهای معینی در حوزه داخلی و خارجی و به دست گرفتن تدبیرهای جدید حل پذیر نیست. باید در نظر داشت که فاکتور این بحرانها، زیربنای تحولات در هیات حاکمه را تشکیل می دهد و همان نیرویی است که زیر فشار آن، آقای خامنه ای و شرکای نظامی و امنیتی اش عقب نشسته اند.

همانگونه که آقای احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر منصب ریاست جمهوری، نماینده سیاست و برنامه معینی در برخورد به مسایل داخلی و چالشهای خارجی بود، آقای روحانی نیز رُل نمایندگی منافع مشخصی را ایفا می کند که از راههای دیگر و به کمک وسایل دیگری تامین می شود. از این رو، مساله عوامل اجرایی، صرف نظر از اینکه چه سازشی بر سر آن صورت گرفته شده باشد، نقش مرکزی در مادی کردن سیاست یافته و از این راه به یک میدان اصلی جدال در تمام دوره ریاست جمهوری وی بدل می گردد که حرف نهایی در آن را هیچ عامل دیگری جز توازن قوا به زبان نمی آورد.

پُرسش قُدرت حقیقی و حُقوقی

نخستین ایستگاه آقای روحانی در مسیر مادی کردن سیاست خود، تامین اقتدار و نیروی لازم بدین منظور است؛ پیش شرطی که تنها به موازات محدود کردن نفوذ و دامنه مداخله "رهبر" و باند او در تعیین و هدایت سیاست برآورده می شود. هرکس که در سمت سنگین تر چوب موازنه نشسته باشد، شیوه و شتاب حرکت آن را نیز دیکته می کند. به بیان روشن، تنها راه سنگین شدن کفه اعمال اراده آقایان رفسنجانی و روحانی، سبک کردن کفه ولی فقیه و باند او است. مسیر دستیابی به این هدف از دو حوزه ی قُدرت عملی ولی فقیه می گذرد؛ ابتدا نهادها و موسسات رسمی و قانونی و سپس ارگانهای موازی و غیر رسمی.

در طبقه بندی نخست، وزارتخانه های کلیدی، مجلس و موسسات بزرگ اقتصادی، مالی و فرهنگی دولتی جای می گیرد و در ردیف بعدی، کابینه سایه در بیت "رهبر"، ارگان امنیتی سپاه پاسداران (اطلاعات سپاه) و زیر مجموعه های آن، شبکه های اقتصادی وابسته به همین ارگان و وزارت اطلاعات و سرانجام بسیج و گروههای فشار قرار دارد. بدون مسدود کردن این کانالهای تاثیرگذاری، دستکاری و اخاذی، "پیروزی" در نمایش انتخابات و تصرف قوه مجریه از سطح یک امر صوری و فرضی فراتر نخواهد رفت. اگر چه این چالش جوهره ای ساختاری دارد و ریشه در ناهمگونی بنیادی تری در ساختار قُدرت دارد، اما پرداخت و حل آن نمی تواند به آینده و تدبیرهای کلان موکول شود، زیرا قواعد خود را بیش از همه به دستور کار روز و جاری تحمیل می کند. مفهوم رابطه ی مزبور آن است که مهمترین بخش برنامه عمل آقایان رفسنجانی و روحانی برای تثبیت جایگاه خود در هرم قُدرت یعنی، مدیریت بحران هسته ای، به گروگان دایمی آقای خامنه ای و شُرکای او در می آید.

بنابراین صرف نظر از خواست و اراده آقای روحانی و شُرکا، روند کشمکشها در پهنه دیوانسالاری و چینش دولت به گونه ناگزیر به سوی پُرسشها و تضادهای بنیادی تری در حوزه قُدرت حقیقی و حُقوقی پیش خواهد رفت. گنجایش محدود ظرف رژیم ولایت فقیه برای سازمان دادن سازش در سطح کلان از یک سو و تضعیف هژمونی آقای خامنه ای برای دیکته سیاستهای سازگار با منافع خود، دست در دست یکدیگر، تجزیه قُدرت را ناگزیر و اجتناب ناپذیر می سازد.

برآمد

برای محدود کردن قُدرت ولی فقیه سه گزینه وجود دارد: ۱- تلاش از "بالا" در شکل سازشهای مقطعی یا تغییر قواعد بازی به صورت تغییر قانون اساسی، تشکیل شورای رهبری و جُز آن ۲- حرکت از "پایین" به صورت بسیج جامعه و مُختار ساختن آن، بسط آزادیها در حوزه احزاب سیاسی، تشکلهای صنفی و مدنی، روزنامه ها و ... ۳- ترکیبی از این دو اما با این ویژگی که نقش فاکتور "پایین" به ابزار چانه زنی محدود می شود و فضای تحرک آزادانه آن را نیازها و الزامات "قُدرت" تعیین می کند.

انتخاب باند دوباره به قُدرت رسیده رفسنجانی، گزینه سوم است؛ یک خط مشی برای نشستن بین دو صندلی که بر آن نام "اعتدال" نهاده شده است. این همان راه حلی است که اصلاح طلبان حُکومتی به گونه ناپیگیر و ناموفقی آزمایش کردند و با این وجود، تاثیر بی واسطه سیاست "تدارکچی" ساز آنها بر ساختار ناهمگون "نظام"، شکل گیری شبه "حاکمیت دوگانه" بود.

دفاع ولی فقیه از کسی که فقر را عمومی کرد

زینت میرهاشمی

روز یکشنبه ۲۳ تیر، ولی فقیه در دیدار با گماشته خود، عملکرد احمدی نژاد طی ۸ سال را تحسین نمود. به نظر می‌رسید که این آخرین دیدار ولی فقیه با دولت احمدی نژاد باشد. اما یک هفته بعد در روز دوشنبه ۳۰ تیر خامنه‌ای ترتیب دیدار دیگری با اعضای دولت را داد.

ولی فقیه در دیدار یکشنبه ۲۳ تیر شرایط وخیم اقتصادی که کشور را به ویرانه تبدیل کرده را نادیده گرفت و کارهای احمدی نژاد را به عنوان «خدمات» انجام شده توسط دولت معرفی و آن را تحسین کرد. در حالی که منتقدان احمدی نژاد بدون نام بردن از ولی فقیه، مسئولیت فاجعه بحران اقتصادی را بر دوش احمدی نژاد می‌گذارند، ولی فقیه با حمایت از «خدمات» احمدی نژاد بر نقش خود در تمامی رویدادهای پیش آمده مهر تایید زد. خامنه‌ای با گفتن این که «دولت توانست شعارهای انقلاب را سر دست بگیرد و به آن افتخار کند» نقشه راه را برای جانشین او تعیین کرد. ولی فقیه از سیاستهای ماجراجویانه احمدی نژاد در مناسبات با جهان خارج دفاع کرد. خامنه‌ای گفت: «احساس شرم نکردن در بیان اهداف، انگیزه‌ها و شیوه‌های انقلابی در مجامع جهانی از جمله کارهای بزرگ دولت است».

همزمان در روز یکشنبه ۲۳ تیر حسن روحانی در مجلس رژیم حضور پیدا کرد و در رابطه با وضعیت خراب اقتصادی، آمارهای غیر واقعی احمدی نژاد را «یاوه‌گویی» دانست و گفت: «دولت آینده خواهد گفت که چه چیزی را تحویل گرفته» است.

روحانی تاکید کرد که: «کشور با تورم ۴۱ درصدی و بیکاری مواجه است». وی داده‌های آماری «در زمینه متغیرهای کلان اقتصادی نظیر تورم، بیکاری، رشد اقتصادی و نرخ سرمایه‌گذاری» که طی ۸ سال از طرف دولت احمدی نژاد ارائه شده را غیر واقعی خواند.

اکبر ترکان مشاور حسن روحانی روز یکشنبه ۲۳ تیر در مصاحبه‌ای شرایط اقتصادی را وخیم ارزیابی و «تامین کالاهای اساسی» را چالش اصلی دولت روحانی اعلام کرد. وی گفت: «وضعیت اقتصادی کشور خراب‌تر از تصور قبلی ماست». اکبر ترکان گفت: دولت روحانی «برای آن که بتوانند یارانه خانواده‌ها را بدهند باید قیمت‌ها را بالا ببرند». وی کسری بودجه دولت را ۸۶ هزار میلیارد تومان دانست و رقم ۳۰ هزار اعلام شده از طرف احمدی نژاد را غیر واقعی دانست. وی تکلیف پرداخت یارانه‌ها را مبهم اعلام کرد و گفت که بودجه سال جاری و درآمدهایش غیر واقعی است. ترکان گفت: «بودجه ۲۱۰ هزار میلیارد تومانی داده شده است که به نظر من ۸۰ هزار تومان از درآمدهایش محقق نمی‌شود». با حرف ترکان، دولت برای پرداخت یارانه‌ها پول ندارد. وی خبر بالارفتن قیمت‌ها را داد و گفت: «بنابراین اولین چالش آقای دکتر روحانی به محض آغاز به کار این است. برای آنکه بتوانند یارانه خانواده‌ها را بدهند. باید قیمت‌ها را بالا ببرند».

حسن روحانی در حالی که رشد اقتصادی را منفی و آمارهای داده شده از طرف دولت را غیر واقعی خواند، وزیر احمدی نژاد پیشرفتهای دوران احمدی نژاد را با آمار گزارش دادند.

وزیر جهاد کشاورزی در دیدار روز یکشنبه ۲۳ تیر با ولی فقیه، افزایش صادرات کشاورزی را ۲۳ درصد گزارش داد. یکی از مجلس نشینان با اشاره به «افزایش ۹۳ درصدی واردات برنج در سه ماهه اول سال جاری و واردات بی‌رویه و هر ساله گندم» آمار ارائه شده از طرف وزیر جهاد کشاورزی را غیر واقعی دانست.

یکی از مجلس نشینان به نام زارعی، حرفهای حسن روحانی در مجلس را «سیاه نمایی» خواند. وی «زاویه نداشتن با خط رهبری» را «میزان حرکت برای اعتدال و دوری از هر گونه انحرافات» دانست و سفارش کرد که روحانی مواظب «پوست خربزه» ها باشد.

معاون اول احمدی نژاد در واکنش به حرفهای روحانی و ترکان گفت: «اعلام نرخ تورم از وظیفه بانک مرکزی است و هر کسی حق ندارد در این خصوص اظهار نظر کند».

وی گفت؛ رئیس جمهور کسی باید باشد که با ولی فقیه زاویه نداشته باشد. بر همین منظر پشتیبانی ولی فقیه از احمدی نژاد در شرایطی صورت می گیرد که توب باران دولت احمدی نژاد شدت بیشتری پیدا کرده است.

حضور روحانی در مجلس، رفتن احمدی نژاد و اعضای دولتش به بارگاه ولی فقیه، ترکیب کابینه روحانی و تاخت و تاز سرمقاله نویس کیهان، ارگان ولی فقیه، علیه ترکیب احتمالی کابینه حسن روحانی، نمایی از شکل گیری تضاد و جدال باندهای حکومتی در شرایط جدید است.

بر خلاف نظر خامنه ای، دولت احمدی نژاد زندگی اکثریت مردم را به تباهی کشانده است. احمدی نژاد در قبال حذف یارانه ها و بالا بردن قیمت کالاهای حامل سوخت، مقداری ناچیز تحت عنوان یارانه به عده ای پرداخت نمود. دستمزد پایه کارگران و مزدبگیران در برابر افزایش قیمتها به طور واقعی کاهش پیدا کرد. بنا بر داده های آماری کارشناسان اقتصادی، حداقل دستمزد تعیین شده برابر یک سوم خط فقر است. در حالی که کارگران و مزدبگیران خواهان دستمزدی عادلانه بر اساس نرخ تورم و سبد هزینه خانوار کارگری هستند. آنها حق خود را می خواهند و مخالف سیاست صدقه پروری احمدی نژاد هستند. درآمد حاصل از حذف یارانه ها و چگونگی هزینه آن، یا پرداخت بخش ناچیزی از این منبع درآمد به عده ای از مردم همواره مورد مشاجره مجلس نشینان و دولت احمدی نژاد بوده است. بر همین اساس مزد کارگران بر اساس واقعتهای زندگی افزایش پیدا نکرد، موضوعی که همچنان مورد اعتراض کارگران است.

در تیر ماه اعتراض کارگران و مزدبگیران در اشکال گسترده ای جریان داشت. عدم پرداخت حقوق یکی از محورهای حرکتیهای اعتراضی کارگران است. حرفهای روحانی و مشاور او آینده ای ناروشن با فقر و تنگدستی بیشتری برای کارگران و مزدبگیران خبر می دهد.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای

روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jong-e-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

گزارشی از کنفرانس "سوسیالیسم ۲۰۱۳" در شیکاگو - آمریکا

لیلا جدیدی

کنفرانس سالانه "سوسیالیسم ۲۰۱۳" بین روزهای ۲۷ تا ۳۰ ماه ژوئن امسال در شیکاگو - آمریکا برگزار شد. من از طرف دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای دومین سال در این کنفرانس که بیش از ۱۳۰۰ نفر در آن حضور داشتند، شرکت کردم. گزارش زیر برای نشریه نبرد خلق تهیه شده است. به امید آنکه بتوانم از این راه، تجربیاتم از این کنفرانس استثنایی و پرشور را تا حدی که مجال است، به کوشندگان سیاسی و نیروهای چپ منتقل کنم.



اگرچه امسال باوجود حضور بیش از هزار و سیصد نفر در کنفرانس "سوسیالیسم ۲۰۱۳"، شمار شرکت کنندگان کمتر از سال گذشته بود، اما شور و اشتیاق آنها که اکثرشان را جوانان تشکیل می دادند، به همان اندازه فضای کنفرانس را گرم و صمیمی و پرتکاپو کرده بود. ۴ روز آموزش، بحث و گفتگو و مناظره پیرامون سیاستهای رادیکال و انقلابی و مبارزه برای دگرگونیهای اجتماعی، نه تنها جوانان بلکه همه شرکت کنندگان در سنین گوناگون و از لایه های گوناگون جامعه را به طور چشمگیری درگیر و دخالت گر کرده بود.

۱۵۰ سخنرانی و نشست پیرامون موضوعاتی که شامل تاریخ مبارزه علیه نژاد پرستی تا ریشه یابی اعتراضات دمکراسی خواهانه در ترکیه و تیوریهای مارکسیستی در باره بحران اقتصادی، نقش فرد در تاریخ، تاثیر هگل بر مارکس و اینکه آیا ما



به دیالکتیک نیاز داریم؟ ونزوئلا بعد از چاوز، نظر مارکسیستها نسبت به دین، ارتباط مانیفست حزب کمونیست با شرایط امروز، مبارزه برای فلسطین، امپریالیسم در خاورمیانه بعد از "بهار عربی"، مارکسیسم و دمکراسی، مارکسیسم و اخلاق، اهمیت اتحادیه کارگری، طبقه کارگر سیاست و سندیکالیسم و بسیاری از موضوعات دیگر می شد، در جریان بود.

در پایان اولین روز کنفرانس، "گلن گرین والد"، فعال سیاسی، وکیل و مقاله نویس روزنامه "گاردین - آمریکا" که به علت

سفر به خارج کشور نتوانسته بود حضور داشته باشد، از طریق اینترنت در سالن بزرگی که هزار شنونده را در خود جای داده بود، صحبت کرد. او گزارشگری است که برای نخستین بار "ادوارد اسنودن"، افشاگر رسوایی جاسوسی آمریکا از شهروندان خود و دیگر کشورها را علنی کرد و با او به مصاحبه نشست. این در واقع یکی از چشمگیرترین و برجسته‌ترین بخشهای کنفرانس بود. تنها یک روز بعد، کلیپ صحبت‌های او ۴۰ هزار و سپس بیش از صد هزار بار بازدید کننده داشت. گرین والد در سخنرانی خود پس از ارج گذاری از "ادوارد اسنودن" گفت: "اسنودن در نهایت با افشاگری خود این پیام را داده است که نمی‌خواهد در جهانی زندگی کند که دولت آمریکا اجازه داشته باشد به اطلاعات شخصی افراد دست درازی کند. وجدان او به وی اجازه نمی‌داد که در جهانی زندگی کند که حقوق خصوصی افراد پایمال شود، در جایکه می‌توانست مانع آن بشود. همه ما باید از او بیاموزیم."



وی افزود: "اگر شما یک گام شجاعانه به عنوان یک فرد پیش بگذارید، توانسته اید جهان را تغییر دهید. حرکت شما بر زندگی انسانهای دیگر تاثیر می‌گذارد و آنها هم به نوبه خود بر دیگران تاثیرگذارند و دیگران بر دیگران، زیرا "شجاعت واگیر دارد". هرگز به نیروی خود برای تغییر جهان شک نکنید."

برنامه پایانی شب دوم به گروهی از آموزگاران و دانش آموزان و خانواده‌های آنها اختصاص داده شده بود که در نیویورک،



شیکاگو و سیاتل دست به مبارزات سختی علیه ناهنجاریهای آموزشی زده بودند. در این بخش، دو تن از سازمان دهندگان این اعتراضات بزرگ و چند دانش آموز که شامل یک دانش آموز ۹ ساله نیز می‌شد، سخنرانی کردند.

مسائل مربوط به زنان از جمله موضوعات طرح شده در کنفرانس بود. در جلساتی که با این محتوی برگزار می‌شد، سخنرانان به کرات در پیرامون اینکه مارکسیسم و دیگر تیوریها چگونه با مساله

تبعیض جنسیتی برخورد کرده اند، سخن گفتند.

نکته چشمگیر دیگر، سالن بسیار بزرگی بود که در آن هزاران جلد کتاب عرضه شده بود که در گوناگونی، نوع و کمیت و کیفیت کم نظیر بود.

در این کنفرانس که از نظم، برنامه ریزی و سازمان یافتگی قابل توجهی برخوردار بود، تلاش شده بود تا تعادلی نسبی بین تیوری و تاریخ با استراتژی برای مبارزات کنونی ایجاد شود. هر مبحثی، گفتگوها و ایده‌های تازه‌ای را با شور و اشتیاق شرکت کنندگان به وجود می‌آورد.

در مجموع، آموزشها و گفتگوها طوری تنظیم شده بود که هر فردی با دست پر از کنفرانس باز گردد و آموخته هایش را در میدان مبارزاتی جامعه به کار اندازد.

از آنجایی که در هر یکساعت و نیم، ۱۲ سخنرانی و روزانه ۴۸ سخنرانی در برنامه گنجانده شده بود، باید حضور در مباحث و سخنرانی بنا بر سلیقه و کنجکاوی خود انتخاب می شد. در اینجا به برخی از مباحثی که در آن حضور داشتیم، خلاصه وار می پردازم:

نبرد برای میدان تقسیم: "تحریر" ترکیه - سیاست و مبارزه در خاورمیانه

در این نشست ابتدا "تام گنه"، مقاله نویس دیدگاه بین المللی و نشریه "کارگران سوسیالیست" و نویسنده مقاله "بهار به ترکیه می آید" سخنرانی کرد. وی بیشتر به تاریخ ترکیه پرداخت و گفت بدون آشنایی با تاریخ این کشور و به ویژه دوران آتاتورک نمی توان جنبشی را که در این کشور در جریان است، درک کرد.

او سپس گفت: "ترکیه فصل تازه ای در مبارزات خاورمیانه گشوده و همه ما می دانیم که این مبارزات دارای نقاط مشترکی است که یکی از آنها همین است که از شیکاگو و نیویورک تا قاهره و استانبول، آماج سرکوب خشن پلیس قرار گرفته است."

پس از سخنان وی، یک زن خبرنگار مشاهدات عینی خود از خیزشهای ترکیه را شرح داد. او گفت: "در ترکیه مردم اعتمادی به احزاب دولتی ندارند، زیرا هیچیک از آنان را حامی مطالبات خود نمی دانند. در حالیکه احزاب مردم را از رویارویی با حکومت باز می داشتند، مردم آنها را دعوت به پیوستن به اعتراضات می کردند. احزاب سیاسی حاضر در پارلمان ترکیه بسیار عقب تر از مردم هستند. همزمان احزابی همچون "پ پ ک" نیز به میدان نمی آمدند، اما کوردها خودشان شرکت می کردند."

وی از گسترده شدن اعتراضات به ۵۰ شهر در ترکیه و همچنین نقش چشمگیر زنان گفت و سپس ترکیب شرکت کنندگان را بدین قرار بیان کرد:

۴۲ درصد معترضان را دانشجویان تشکیل می دادند که ۱۵ درصد آنها دوره فوق لیسانس را می گذرانند. ۳۵ درصد شرکت کنندگان نیز دانش آموز بودند. در میان معترضان، ۹۴ درصد مردم عادی و تنها ۶ درصد وابسته به گروه های سیاسی بودند. اتحادیه ها نیز بخش مهمی را در بر می گرفتند.

وی افزود: "نیروهای اپوزیسیون تلاش می کردند که رهبری جنبش را به دست گیرند، اما مردم نگذاشتند، زیرا به آنها نیز اعتماد چندانی ندارند. با اینحال چپ انقلابی به مردم سازماندهی، اتحاد با هم و ایستادگی در برابر سرکوب را آموزش می داد. از سوی دیگر، این اعتراضات بخش وسیعی از لیبرالها و راست میانه را نیز در بر می گرفت."

در اینجا وقتی من نظر سخنران را درباره اینکه بخشی از معترضان از اردوغان خواسته اند به اپوزیسیون سوریه کمک نکند، جويا شدم، گفت: "ما نباید به معترضان سوری کمک کنیم، زیرا آنها خودشان باید بدون دخالت خارجی به پیروزی دست یابند."

وی در برابر این یادآوری که دیکتاتور سوریه با کمک خارجی (روسیه و جمهوری اسلامی) اعتراضها و مخالفان را سرکوب می کند نیز سکوت کرد. "یوسف خلیل"، فعال و خبرنگار سرشناس سوری که مقالاتی در این زمینه نوشته و معتقد است چپ باید حامی کمک نظامی به مردم سوریه باشد نیز در این نشست حضور داشت و نظرات خود را بازگو کرد. وی مخالفت خود را با عدم حمایت از انقلاب مردم سوریه ابراز نمود.

جوامع سوسیالیستی آینده

سخنران این بخش، "مایکل سمیت"، وکیل و نویسنده کتاب "نوشته های وکلای سالهای ۶۰" و "چه کسی چه گوارا را به قتل رساند؟" و مدیر "مرکز حقوق قانون اساسی" بود.



وی سخنان خود را با شعر ترانه "تصور کن" جان لنون آغاز کرد و از کار مشترک سه نفره برای تدوین کتاب تازه خود به نام "تصور کن یک آمریکای سوسیالیست را" سخن گفت. وی در ضرورت تدوین این کتاب توضیح داد، هیچکس به درستی نمی داند سوسیالیسم چیست و مارکسیسم زندگی در جامعه سوسیالیستی را تعریف نکرده است. او سپس به جزئیات بیشتری از کتابش اشاره کرد و گفت، این کتاب دارای سه بخش است:

بخش اول: اعلام جرم علیه کاپیتالیسم

بخش دوم: مجموعه نوشته هایی از افراد گوناگون پیرامون موضوعات و واقعیتهای سخت سرمایه داری

بخش سوم: چگونه در یک سیستم سوسیالیستی زندگی خواهیم کرد

وی در توضیح گفت: "ماشین سرمایه داری اگر ماشین مکانیکی بود، بازسازی آن آسان بود، ولی سرمایه داری سیستمی است که هر قسمتی از آن را بخواهی تعمیر کنی، در نقطه دیگری خرابیها را بازتولید کرده و تعمیرات را بی اثر می کند." او ادامه داد: "یک سوم مردم جهان در پایین تر از حتی خط فقر زندگی می کنند. روزانه ۲۵ هزار کودک از گرسنگی می میرند؛ امری که به خوبی قابل پیشگیری است. با ثروتی که در جهان موجود است، می توان برای تمام دنیا ۷ برابر تغذیه سالم و مکفی تر تهیه کرد. در آمریکا ۲۰ درصد کودکان نمی توانند ۳ وعده غذا در روز داشته باشند و این وضعیت برای سیاهپوستان بدتر است. اگر به خدمات اجتماعی نگاه کنیم، می بینیم چه وضعیت دهشتناکی داریم. در این کشور تعداد خانه های خالی ۵ برابر تعداد بی خانمانها است. نزاع اقتصادی اکنون به نزاع نظامی تبدیل شده، اما رسانه ها در این مورد سکوت می کنند.

وی افزود: "ما هر چه بیشتر در مورد این ناهنجاریها بدانیم، بیشتر می توانیم مردم را در مبارزه برای به دست آوردن سوسیالیسم آماده کنیم. در نظام سوسیالیستی مردم در همه امور دخالت دارند. مطالبات شان را مطرح می کنند و اگر نمایندگان شان خلاف کردند، بی درنگ اخراج می شوند. همه ی منابع در خدمت تامین نیازهای مردم قرار خواهد داشت و نه عرضه محصولات غیرضروری. مثلا ما ۱۲ نوع دئودرانت لازم نداریم، اما وقتی این را می گوییم، فوراً می گویند سوسیالیستها بو می دهند!"

وی گفت: "ما باید سوسیالیسم را تعریف کنیم و بگوییم که چیست. باید استراتژی را مشخص کنیم، باید بگوییم معنای سوسیالیسم، مالکیت دولت بر اقتصاد نیست، بلکه کنترل دمکراتیک اقتصاد توسط مردم است."

وی به نوشته ای از دختر مارکس در باره سفر خود به آمریکا اشاره کرد که در آن می نویسد: "اکثر مردم در این کشور نمی دانند سوسیالیسم چیست و وقتی برای آنها توضیح می دهی، میگویند، پس من سوسیالیست هستم."

"مایکل سمیت" یادآور شد که وقتی در دهه ۶۰ به دانشگاه می رفته، فقط سه کتاب مارکسیستی برای فعالان سیاسی در دسترس بوده است، "اما شما در سالن بغل همین اطلاق، به اندازه نیمی از یک زمین فوتبال کتاب دارید."

سخنرانان این نشست همچنین گفتند که آمریکا تا کنون شاهد دو انقلاب بوده است، یکی برای استقلال و دیگری برای پایان برده داری. سومین آن باید برای سوسیالیسم باشد. کمونیستها ضمن اینکه باید برای خواستها و رفورمهای مشخص

تلاش کنند، ضروری است که استراتژی خود را معرفی کنند. مردم باید بدانند سوسیالیسم به معنای دمکراتیزه شدن اقتصاد است، یعنی زمانی که تصمیمهای اقتصادی با شرکت خود آنها گرفته می شود. باید سوسیالیسم را فهمید و به طور روشن برای مردم تعریف کرد. باید برای به دست آوردن آن سازماندهی کرد. در نهایت، بدون داشتن دمکراسی و دخالت کامل کارگران، امکان برقراری سوسیالیسم هم وجود ندارد.

امپریالیسم در خاورمیانه

در این نشست، "وائل الاسدی"، تحلیلگر مصری، در باره "بهار عربی" گفت که این سلسله خیزشها زمانی رخ داد که آمریکا پس از جنگ در عراق تضعیف شده بود. مردم به شدت مخالف آمریکا بودند و علیه حکومتهای خود که وابسته به آمریکا بودند، به پا خاستند. آنچه که بیش از همه برای آمریکا تکان دهنده بود، انقلاب در مصر بود. آمریکا قصد داشت با جذب مصر به سرمایه داری، سیاستهای صندوق بین المللی پول را پیش برده و همچنین منافع اسرائیل را تامین کند. در جریان خیزشها، آمریکاییها دریافتند که "اخوان المسلمین" می تواند هم سیاستهای نو - لیبرالی را ادامه دهد، هم منافع اسرائیل را تامین کند و هم از منافع ارتش که حامی آنهاست، دفاع کند. در نهایت هم مجله "تایم"، "محمد مرسی" را "مرد سال" نامید.

وی در پایان تاکید کرد که پروسه انقلابها در منطقه ادامه خواهد داشت و وظیفه کنونی ایجاد یک جنبش ضد امپریالیستی برای جلوگیری از فریب خوردن مردم انقلابی است.

سخنران بعد، "یوسف خلیل"، نویسنده و فعال سوری بود. وی در بخشی از سخنان خود گفت: "ریشه های سکتاریسم قومی و مذهبی توسط اسد و پدرش در سوریه کاشته و رشد داده شد. اسد که خود را سکولار می نامید، بیش از عربستان سعودی مسجد ساخت."

او در مورد گروههایی که به مذاکره با اسد تن می دهند، گفت که آنها می خواهند فرش را از زیر پای انقلابیون بکشند. وی گفت، عده ای استدلال می کنند اگر آمریکا به مخالفان اسد سلاح بدهد، ایران هم با دست باز تر به حکومت سوریه سلاح می فرستد. از این رو انقلابیون تصمیم گرفتند ضمن اینکه سلاحهای خود را زمین نمی گذارند، تجمعات و اعتراضهای خیابانی را افزایش دهند.

وی افزود: "مردم ما فهمیده اند که حزب الله به اسد و رژیم ایران نزدیک است. اسرائیل هم کنار نشسته و می گوید بگذار اینها همدیگر را بکشند. از این رو ما به این نتیجه می رسیم که حزب الله در مسیر منافع اسرائیل گام بر داشته است." "یوسف خلیل" ادامه داد: "این آسان است که بیاییم و از حضور امپریالیسم آمریکا و ناتو و مضرات افروخته شدن جنگ در سوریه حرف بزنیم و یا بگوییم اینها در باره استفاده سلاح شیمیایی توسط اسد دروغ می گویند و می خواهند راه برای تهاجم نظامی باز کنند. بعد هم برای خودمان کف بزنیم که این جریانها را افشا کرده ایم، دست رد به سینه انقلابیون سوریه بزنیم و مدعی شویم دست آمریکا و القاعده در کار است. اما این ساده نگری بیش نیست.

شاید سر و صدا در مورد استفاده از سلاح شیمیایی را عده ای با دروغهای بوش مقایسه می کنند، اما این بسیار متفاوت است. نخست اینکه اکنون یک جنبش گسترده به نام "بهار عربی" در خاورمیانه در جریان است. دیگر آنکه، مردم سوریه دو سال است که علیه دیکتاتوری که ۴۰ سال او و خانواده اش بر آنها حکومت کرده اند، به پا خاسته اند، اما در بسیاری از گزارشات ابد صحبتی از جنبش عمومی مردم سوریه نیست. ما باید این حرف که انقلاب سوریه نقشه امپریالیستهاست و یا اینکه "بهار عرب" تمام شده و "زمستان عرب" رسیده را کنار بگذاریم. ما باید به آنچه که اتفاق افتاده به عنوان عبور از

یک پروسه انقلابی نگاه کنیم که هنوز تا مقصد فاصله زیادی دارد. همچنین باید درک کنیم که پدیده ای به عنوان انقلاب کامل و خالص وجود ندارد. انقلاب لایه های مختلف اجتماعی را به حرکت در می آورد و میلیونها انسان را در بیشتر مواقع برای اولین بار به خود جذب می کند.

مردم در حال ساختن تاریخ خود هستند و در بسیاری از مواقع تحت بدترین شرایط قرار دارند. دهها سال دیکتاتوری، هر گونه حزب سیاسی مستقل، سازمانهای کارگران و اتحادیه ها را نابود کرده است. این واقعا احمقانه است که فکر کنیم تحت این شرایط، انقلاب در سوریه در چهره یک انقلاب کامل با برنامه های فرموله شده انقلابی - مارکسیستی به رهبری طبقه کارگر ظاهر خواهد شد.

ما هم ضد امپریالیسم هستیم، ولی این بدین معنی نیست که مردم سوریه را پس بزنیم فقط به این دلیل که واشنگتن خواستار دخالت در این جریان است. یک حرکت واقعی ضد امپریالیستی، به مرزبندی با چنین جنبشی نمی پردازد؛ جنبشی که ۹۰ هزار نفر در آن جان دادند، صدها هزار نفر زخمی و ۵ میلیون آواره دارد."

سخنران بعدی "شان جوزف" بود که قرار بود در باره مساله ایران صحبت کند. سخنان او بر پایه اطلاعاتی از تبلیغات رسمی جمهوری اسلامی در رسانه های انگلیسی زبان خود قرار گرفته بود، به صورتی که در بیشتر موارد می شد آن را کپی برابر اصل دانست. از این رو در پایان نه تنها به شیوه تحلیل و اطلاعات سطحی وی اعتراض کردم، بلکه بحث عدم آگاهی کنفرانس از مسایل ایران را به میان اعضا و برگزارکنندگان کنفرانس بردم. گشایش این بحث با استقبال روبرو شد و آنها در پایان خواستار تداوم یافتن آن و کسب اطلاعات بیشتر از جانب سازمان ما شدند.



چشم انداز برای چپ

در نشست با این عنوان، "احمد شاکي"، نویسنده کتاب "رهایی سیاهپوستان و سوسیالیسم" و همچنین سردبیر نشریه "سوسیالیست بین المللی" به ایراد سخنرانی پرداخت. وی گفت که چپ باید همواره چشم اندازهای خود را مورد بحث و گفتگو قرار دهد، اما این چشم اندازها نباید آرزوهای تخیلی باشد، بلکه باید بنا بر تحلیل واقعی ترسیم گردد. چشم اندازهایی که

برپایه تخیل و دور از واقعیتها باشد، رویایی بیش نیست. او تاکید کرد باید از چشم اندازها به عنوان راهنمای عمل استفاده کرد و در این راه هر چه سازمان سیاسی ما بزرگ تر شود، امکان به واقعیت پیوستن چشم اندازها نیز بیشتر می شود. وی افزود: "برای نمونه ما در دهه ۷۰ می گفتیم بحرانها، سرمایه داری را به زانو در می آورد اما چه شد که خودمان متلاشی شدیم؟ بحرانها ۳۵ سال بعد هنوز باقی مانده و حتی گسترش پیدا کرده. ما می گفتم دهه ۸۰ مال آنهاست و دهه ۹۰ از آن ما خواهد بود، اما می بینیم که سرمایه داری نه تنها نابود نشده، بلکه در شکل دیگری گسترش پیدا کرده، در فرم ریاضت اقتصادی.

همزمان، طبقه کارگر به شکل وسیع تری گسترش پیدا کرده، اما ما هنوز یک تعریف جهانی از این طبقه نداریم. ولی امروز ما یک مقاومت جهانی داریم، شاید نه از دید خودمان ولی از دید طرف مقابل. این مقاومت جهانی علیه نو - لیبرالیسم است. اما ما هنوز بیان سیاسی برای آن نداریم. چپ باید دوباره سازی بشود و به این منظور سکتاریسمی که در روشنفکران وجود دارد و آنها را در شکل طرفداران تروتسکی، مائو و غیره از هم جدا می کند، باید کنار گذاشته شود. اگر می خواهیم چپ رشد کند، نیاز داریم که دریچه بحث و گفتگو باز بشود.

برای نمونه نگاه کنیم ببینیم چطور شد در یونان "سیریزا" توانست به موفقیت‌های چشمگیری دست پیدا کند. برای اینکه آنها برای چپ با دیدگاه‌های متفاوت جا باز کردند. اگر ما بتوانیم ظرفی برای در بر گرفتن تفکر و دیدگاه‌های سیاسی گوناگون ایجاد کنیم، می‌توانیم مانند "سیریزا" رشد کنیم.

نکته دیگری که باید توجه داشته باشیم این است که نسل جدید با زبانی که ما در گذشته صحبت می‌کردیم، امروز حرف نمی‌زند ولی باید یاد بگیرد. در آن زمان من خودم خیلی راحت رادیکال شدم، ولی امروز دیگر اینطور نیست.

"احمد شاکی" سخنان خود را با تاکید بر لزوم همراهی چپها با جنبشهای کوچک، صنفی، محلی و غیره و سازماندهی آنان و اینکه چپ سازمان یافته باید همواره رابطه خود را با کارگران و زحمتکشان جامعه افزایش دهد، به پایان رساند.

در پایان سخنرانی وی، سوالات و نظریاتی ارایه شد.

- جوانی سوال کرد: کسانی که نمی‌توانند کتابهای سخت را بخوانند چکار باید بکنند؟ در جواب یک نفر از میان جمع گفت: "تلاش کنید مطالعات جمعی و سپس بحث و گفتگو پیرامون مطالعات داشته باشید و همچنین بحث پیرامون این موضوع که چگونه مطالعات را مادی کنیم."

- یک نفر گفت: "ما باید زبانی پیدا کنیم که با آن بتوانیم چپ را معرفی کنیم."

- یکی دیگر از شرکت کنندگان پرسید: "به کسانی که با ما آشنا می‌شوند و از ما می‌پرسند چرا شماها با هم یکی نمی‌شوید، باید چه پاسخی بدهیم؟ کسانی که اصلاً تصویری از تشکیلات ندارند؟"



- "آنتونیو داواناوس"، عضو کمیته مرکزی "سیریزا" (حزب چپ رادیکال یونان) که در این سخنرانی در صندلی حضار نشسته بود، در باره پیروزی چشمگیر این حزب و پروسه تکاملی آن توضیح داد. وی گفت: "ما از فوروم اجتماعی یونان شروع کردیم و این به ما خیلی کمک کرد. طی این پروسه برای ما آسان نبود، ۱۳ سال طول کشید. اکنون ما در "سیریزا" هم چپ رادیکال داریم هم کمونیست و هم احزاب استالینیستی و هم پیروان تروتسکی. در جمع ما انتقاد هم همیشه می‌شود، ولی ما می‌دانیم که باید در کنار هم باشیم."

- رفیق زنی گفت: "من با نظر رفیق احمد شاکی مخالفم که هر چه سازمان بزرگ تر باشد تاثیر بیشتری می‌گذارد، زیرا اگر سازمانی منسجم و متفکر داشته باشیم، حتی اگر کوچکتر باشد، تاثیر مهم تری می‌گذاریم."

- رفیق دیگری یادآور شد: "گوش کردن به حرف مخالفان کافی نیست، باید برای یاد گرفتن گوش کرد."

- یک شرکت کننده هم معتقد بود: "چپ باید به کارگران و زحمتکشان بگوید انقلاب تمام نشده و به این زودی تمام نمی‌شود. دستاوردها دوره ای هستند و ادامه دارند. باید تلاش و مبارزه و مقاومت را تعطیل نکرد. پس روی، پیشرفت، بالا و پایین، شکست و پیروزی وجود دارد، ولی باید ادامه داد."

در شماره آینده به مباحث بیشتری از جمله نقش شخصیتها در تاریخ (پال دوماتو)، مارکسیستها در باره دین چه می‌گویند؟ (بیل رابرت)، مارکسیسم و اخلاق (جسیکا هنسن ویور) و همچنین سخنرانی "آنتونیو داواناوس" در باره جنبش در یونان می‌پردازم.

سقوط دولت ارتجاعی مَرسی منتج از خیزش انقلابی توده ها

آناهیتا اردوان

موج دوم انقلاب مردم مصر که به براندازی دولت مَرسی و اخوان المسلمین انجامید، جهانی را به لرزه در آورد و پروسه مبارزه برای تحقق خواسته‌های بنیادین ملت مصر را وارد مرحله نوینی ساخت. براندازی دولت مَرسی توسط نیروی انبوه توده ها، ترفند مدعیان اصلاحات، مبنی بر پایان دوران انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ را بی اثر ساخت و برعکس، بر زنده بودن انقلاب و نقش انقلابی توده های تحت ستم به مثابه مهمترین و اصلی ترین عامل آن صحنه گذاشت. نقش انقلابی و ارزنده گردانهای اجتماعی در انقلاب سی ژوئن سال جاری مصر بر پیوند ناگسستنی بین خیزش انقلابی توده ها و زوال محتوم دولت ضد انقلاب دلالت داشته و همانطور که مارکس اشاره می کند، همچون مامایی عمل کرد که شکلهای سیاسی متحجر و مرده را درهم شکست و جامعه کهنه را آستن جامعه نوین ساخت.



رسانه های امپریالیستی، از هنگام شروع انقلاب مردم مصر علیه دولت اخوان المسلمین تا امروز کماکان به گونه ریاکارانه تلاش می کنند انقلاب مردم مصر را کودتای ارتش علیه دولتی که با انتخابات دموکراتیک به قدرت رسیده به جهانیان معرفی کنند. "وال استریت ژورنال" مورخ ششم ژوئیه ۲۰۱۳، با تیتیر "بعد از کودتای قاهره"، دولت محمد مَرسی را با دولت سالوادر آلنده برابر دانست و ادامه داد: "مصریها باید خوش شانس باشند اگر ژنرالهای به قدرت رسیده از

جنس "اگوستو پینوشه" باشند که طی هفده سال حکومت ترور، نزدیک به سی هزار نفر را شکنجه کرد و سبب کشته شدن سه هزار نفر شد، ولیکن رفرمیستهای مدافع اقتصاد بازار را به کار گرفت و محلل گذار به دموکراسی شد." در همین راستا، "آن پاترسون"، سفیر آمریکا در قاهره، در مخالفت با خیزش توده ای علیه دولت مَرسی، خطاب به مصریها گفت: "بعضیها مدعی اند که عمل خیابانی نتیجه ای بهتر از انتخابات خواهد داشت، صادقانه می گویم، دولت من و خود من به شدت به این ادعا مشکوکیم." (۱)

صاحبان موضعی از این دست که منافع طبقاتی معینی را نمایندگی می کنند، درصددند تا اراده و عزم مستقل توده ها به عنوان بالاترین قدرت مشروع جهت تغییر در جامعه خود را تحقیر، مکتوم و تحریف نمایند، اما عینیت تاریخ ثابت کرده است که انقلابها با ورود توده ها به خیابانها و آزاد سازی آنچه به راستی متعلق به آنهاست ولیکن توسط مستبدان به تصرف در آمده، آغاز گردیده است. تاریخ نشان می دهد که استقرار حقوق دموکراتیک بدون اعتراض توده های تحت ستم ممکن نبوده، تا جایی که مقوله "دموکراسی" برآمد انقلاب است. تحولات سیاسی ۱۶۴۹ و ۱۶۸۸ در انگلیس، دگرگونیهای عمیق قرن هیجدهم در فرانسه علیه سلطنت مطلقه که سراسر اروپا را فرا گرفت و قیامهای توده ای ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ روسیه که پایان حکومت مطلقه تزاریسیم را به ثبت رساند، همگی زیر پرچم انقلاب صورت پذیرفت.

در سی ژوئن نیز میلیونها نفر از مردم مصر، دو سال پس از سپری شدن انقلاب علیه مبارک، در اعتراض به عدم تحقق مطالبات شان و بر محور شعار "نان، آزادی و دموکراسی" به خیابانهای قاهره و شهرهای استانهای اسکندریه، نیل دلتا، سوئز و دیگر مناطق مصر سرازیر و خواستار کناره گیری مَرسی و اخوان المسلمین از قدرت شدند. ارتش مصر که از نفوذ سیاسی و اقتصادی دیرینه ای در تاریخ مصر برخوردار است، باوجود سکوت تا آخرین دقایق، در نهایت به طور سنتی جهت

حفظ امتیازات، ثروت و قدرت خود خواستار کناره گیری مُرسی و اخوان المسلمین از قدرت شد. به واقع، این پژواک قیام عدالت طلبانه میلیونها نفر از مردم مصر بود که توازن قوا به نفع انقلابیون در برابر ضد انقلابیون را آنچنان برهم زد که ارتش مصر را به دخالت برای نجات منافع طبقاتی خود وادار ساخت. بدیهی است که هیچ نیروی ملی، مترقی و به ویژه مارکسیستی به دفاع از ارتش مصر که همواره به مثابه پایه دولت حاکم در تحمیق و سرکوب مردم دست داشته، بر نمی خیزد. ولیکن حاکمیت ارتجاعی اخوان المسلمین با پتانسیل انقلابی توده ها و نه کودتای نظامیان از هم فروپاشید، زیرا ارتش نیز به ناکارایی مُرسی در حفظ منافع طبقه حاکم پی برد و برای حفظ امتیازات سیاسی- اقتصادی مجبور به پذیرش خواست اکثریت شده تا از رادیکالیسم جنبش انقلابی جلوگیری شود. از این رو، همراهی با جنبش انقلابی به طور مقطعی نه برای دفاع پایدار از منافع اقشار و طبقات تحت ستم و محروم و جهت مهار پتانسیل انقلاب توده ها به ارتش تحمیل شد.

برخی رسانه های بورژوازی، مزورانه دولت مُرسی را محصول یک انتخابات آزاد و بنابراین دموکراتیک نامیده که فریبی بیش نبوده و دولت مُرسی در هیچ زمانی نه در ماهیت و نه در عمل دموکراتیک نبود. بعد از فروپاشی دولت مبارک، ساختار سیاسی جدید با وحدت ارتش و اخوان المسلمین سازگار با منافع سرمایه داری جهانی، بر اساس کپی برداری از مدل ترکیه ای در خاورمیانه تشکیل شد. از این رو، انقلاب اخیر مصر به منزله شکست پروژه مدل ترکیه ای دول سرمایه داری به خصوص آمریکا در راستای تشکیل خاورمیانه بزرگ نیز می باشد. این مدل حتی در کشور ترکیه نیز توسط اعتراضات پیاپی مردم به چالش کشیده شده است.

براساس یک تحقیقات، پیش از وقوع انقلاب، تنها ۲۷ درصد از مردم مصر معتقد بودند که دولت مُرسی به حقوق شهروندی، آزادیهای فردی و اجتماعی احترام می گذارد، پیرامون ایجاد شرایط و فرصتهای برابر اقتصادی، ۲۵ درصد راضی و ۷۴ درصد ناراضی خود را اعلام داشته اند، ۷۴ درصد از مردم مصر اصرار ورزیدند که دولت از ایجاد امکانات و خدمات آموزشی- بهداشتی برای خانواده ها حمایت نمی کند و ۷۴ درصد نیز ابراز داشتند که دولت به امنیت شهروندان اهمیتی نمی دهد. به طور کلی بیش از ۷۰ درصد از مردم مصر با سیاستهای مُرسی مخالفت کرده و معتقد بوده اند که وی قادر به ایجاد تغییرات لازم و ضروری برای بهبود وضعیت شهروندان مصری نیست. اکثریت مخالفان باور داشتند که قادرند گزینه ای بهتر از دولت کنونی ارائه دهند. (۲)

ریشه اصلی خلع ید اخوان المسلمین از قدرت سیاسی توسط اراده مردمی را می بایست در شرایط دشوار طبقات و اقشار گوناگون اجتماعی مورد ارزیابی قرار داد. رویکرد اخوان المسلمین طی دوران حکومت، نسبت به زنان، جوانان و اقلیتهای مذهبی به غایت عقب افتاده و ضد دموکراتیک بود. تلاش برای تصویب قوانین ارتجاعی در راستای اسلامیزه کردن تمام نمودهای حیات خصوصی و اجتماعی شهروندان و تعرض به دستاوردهای مبارزات زنان و مردان مصری به موازات رشد فزاینده تورم، رکود فعالیتهای اقتصادی و پیشبرد سیاست نو - لیبرالیسم اقتصادی همچون دولت حسنی مبارک در راستای خصوصی سازی اقتصادی که پیامدی به جز تعطیلی دستکم ۴۵۰۰ کارخانه نداشته، همگی نشان از ماهیت استبدادی - مذهبی و نو - لیبرالیستی دولت مُرسی داشت .

یکی از شگفت آور ترین حرکتهای اخیر اخوان المسلمین برای نهادینه کردن تضاد جنسیتی در جامعه با حربه مذهب، خرافات و سنت، حمله به قانون ممنوعیت ختنه زنان و مخالفت با بیانیه سازمان ملل مبنی بر محکومیت اعمال هر گونه خشونت علیه زنان بود. ختنه زنان در مصر بعد از دهه ها مبارزه فعالان حقوق بشر و زنان در سال ۲۰۰۸ به طور قانونی ممنوع گردیده بود. (۳)

از زمان برکناری حسنی مبارک و به ویژه در یکسال اخیر، افزایش قیمت کالاها، بیکاری، کمبود مواد سوختی، کاهش شدید ارزش پول ملی و رکود از شاخصهای اصلی وضعیت اقتصادی ناگوار مصر بوده است، درحالی که بسیاری از مصریها بعد از سقوط مبارک امید داشتند که در وهله اول وضعیت اقتصادی شان بهبود یابد. بنا به برآوردهای صندوق بین الملل پول، میزان بیکاری از ۹ درصد زمان مبارک به ۴/۱۲ درصد در سال ۲۰۱۲ رسید و در نیمه اول سال جاری میلادی به

۵/۱۳ افزایش یافت. بدهیهای دولت نیز از ۶۹ درصد تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۱۲، به ۷۵ درصد در سال جاری افزایش یافت که سهم قابل توجهی در افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مردم دارد؛ مردمی که ۴۰ درصد آنها زیر خط فقر بسر می‌برند و با روزی دو دلار روزگار می‌گذرانند.

بر اساس گزارش سازمان ملل در ماه مه سال جاری، فقر و گرسنگی در مصر پدیده‌ای شایع و رو به رشد بحساب می‌آید. سووتغذیه کودکان مصری زیر پنج سال، ۳۱ درصد افزایش یافته است (۲۳ درصد در سال ۲۰۰۵). یک چهارم از خانوارهای مصری، ۵۰ درصد از درآمدها را با توجه به کاهش ۳۰ درصدی ارزش پول ملی که نشان از بالا بودن نرخ تورم دارد، صرف خرید مواد غذایی می‌کنند. افزایش سرسام آور قیمت خواربار، مصر را به بزرگترین وارد کننده دانه جو تبدیل کرده است. بیش از نیمی از جمعیت مصر در فقر مفرط و یا نزدیک به خط فقر، بسر می‌برند که در آینده، با توجه به رشد فزاینده نرخ تورم و رکود اقتصادی، افزایش بیشتری خواهد یافت.

این گزارش اضافه می‌کند که مصر از نظر اقتصادی و سیاسی با فروپاشی روبروست، به گونه‌ای که میزان بیکاری در افراد زیر ۲۴ سال، بیش از ۴۰ درصد است. در همین راستا، "جاتال امین"، اقتصاددان، بحران اقتصادی مصر را بدترین آن از دهه سی تاکنون نامید و تاکید کرد، هیچکس به تهیدستان جامعه اهمیتی نمی‌دهد. (۴)

آمار بالا، نادرستی این ادعا را که مصر با دولت مرسى در مسیر استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی حرکت می‌کرد، به اثبات می‌رساند. اخوان المسلمین به رهبری مرسى سعی داشت سلطه ایدیولوژیی منحط و خرافی خود را با توسل به اهرم قدرت به جامعه تحمیل کند اما از نظر زیربنای اقتصادی، با اجرای دستورات صندوق بین الملل پول و بانک جهانی، به سیاست نو - لیبرالیزه سازی اقتصادی ادامه دهد. این پروژه متناقض و متضاد در حالی در جریان بود که آگاهی اقشار و طبقات فرودست با انقلاب علیه حکومت خودکامه حسنی مبارک افزایش یافته بود. در این رابطه از یکسو تضادهای اصلی هنوز در جامعه مصر پا برجا مانده و از دیگر سو، انقلاب علیه رژیم توتالیتر حسنی مبارک و پس از آن باعث شده بود که مردم به قدرت خود باور یافته و به سوی سازماندهی نیروی مبارزاتی خود روی آوردند. انقلاب به مثابه بهترین مدرسه زحمتکشان به آنان آموخته بود که برای پیشرفت جامعه می‌بایست بر سر خواستههای خود بمانند و برای آن مبارزه کنند. چنین آگاهی با مناسبات اقتصادی و روابط سیاسی حاکم بر جامعه در تضاد قرار گرفت. به بیانی دیگر، تضاد بین منافع ارتجاعی طبقه فرادست با مطالبات دموکراتیک طبقات و اقشار فرودست به درجه معینی از رشد و تکامل خود رسید و ضرورتاً شکل یک منازعه آشکار به خود گرفت و موج دوم انقلاب مردم مصر را به ارمغان آورد.

اگرچه مردم مصر بعد از دو انقلاب سیاسی هنوز به مطالبات بنیادین خود دست نیافته اند، ولی شایان توجه است که توده های تحت ستم بدون چنین مبارزات و انقلاباتی قادر به ایجاد جهشی در تکامل جامعه نیستند. "جنبش تَمَرْد" به طور خاص و جنبش مصر به طور عام، از عناصر و گرایشهای متفاوتی تشکیل شده است. مبارزه نیز هنوز به پایان نرسیده و قادر است به جهت‌های متفاوتی هدایت شود. برآیند انقلاب مردم مصر با تلاش نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی که سعی در کنترل آن دارند، هنوز مشخص نیست. ولیکن، روند عینی مبارزه مردم مصر که در کمتر از سه سال دو رژیم سیاسی را ساقط کردند، نشان می‌دهد که آنان به ضرورت تداوم و استحکام اتحاد نیروهای مترقی و انقلابی پی برده اند. در چنین روندی ست که آنان قادر خواهند بود به لزوم حیاتی و ضروری ایجاد یک سازمان سیاسی انقلابی و رهبری انقلابی نیز پی ببرند. ایجاد چنین سازمانی امکان پذیر است، زیرا مردمی که در کوران مبارزات، بیدار و بیدارتر می‌گردند، قادر خواهند شد تا از صفوف خود انقلابیون حرفه ای مورد نیاز انقلاب اجتماعی آتی را بیرون دهند.

نقش برجسته طبقه کارگر در انقلاب مصر

اگر بپذیریم که با دستیابی افراد یک جامعه به حقوق دموکراتیک، شرایط برای مبارزه طبقاتی مساعدتر می‌گردد، ناگزیر درمی‌یابیم که مبارزه برای دستیابی به حقوق دموکراتیک از مبارزه طبقاتی جدا نیست، بلکه پیوندی ارگانیک و

ناگسستی با یکدیگر دارد. از نظر تاریخی، هنگامی مبارزه جهت دستیابی به حقوق دموکراتیک ثمربخش بوده که با مبارزه کارگران پیوند پیدا کند، کارگران در آن شرکت کرده باشند و طبقه کارگر از آن مبارزه دفاع کرده باشد. این مهم حتی در مبارزه برای دستیابی به خواسته‌های حداقل نیز صادق است، زیرا کارگران نیروهای مولد جامعه هستند، تمام ثروت مادی و معنوی برآیند کار طاقت فرسای آنان است و بر این اساس، مشارکت آنان در مبارزه، آن را تا حد فروپاشی ماشین دولتی ارتقا می بخشد.

سقوط دولت حسنی مبارک و اخوان المسلمین نیز با حضور کارگران ممکن گردید. در حقیقت، جنبش کارگری مصر طی سالها شورش علیه دولت حسنی مبارک قادر به تشکیل "فدراسیون اتحادیه های کارگری مستقل مصر" (ای اف آی تی یو) شد و طی سال ۲۰۱۱ و آغاز سال ۲۰۱۲ توانایی تحرک و بسیج نیروی بی سابقه ای یافت. کارگران در همین دوران بیش از صد اتحادیه جدید و مستقل تاسیس کردند و قادر شدند خود را از دست اتحادیه کارگری رسمی (ای تی یو اف) که قریب به شصت سال به مثابه بازوی دولت عمل کرده بود، رها سازند. تمام بخشهای صنعت مصر در انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، متشکل از صنایع نساجی، فولاد، ترابری و حمل و نقل، کانال سوئز، کارمندان دولتی و حتی کارگران کارخانه هایی که در مالکیت ارتش بودند نیز در پیشبرد اعتراضات و تحقق انقلاب، نقش بسزایی ایفا کردند. مشارکت کارگران در این خیزش عمومی، بزرگترین حرکت کارگری از هنگام خیزش ضد استعماری در سال ۱۹۴۰ بود. (۵) سراسر سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، اتحادیه سازی و اعتصابات کارگری به طور فزاینده ای جهت پیگیری خواسته های بنیادی و اساسی ادامه یافت. خیزش نوین کارگران مصری از یک طرف و تداوم اعتراضهای دیگر اقصای تحت ستم در میادین شهرهای مختلف مصر از طرف دیگر، ارتش را برابر دو گزینه قرار داد: سرکوب تمام عیار اعتصابات کارگری و اعتراضهای خیابانی یا قربانی کردن حسنی مبارک. کارگران و دیگر گردانهای اجتماعی مطالبات خود را حول دو شعار مشخص؛ "بهبود وضعیت اقتصادی" و "برکناری حسنی مبارک" متمرکز کرده بودند. (۶) بدینوسیله، ژنرالها با چالش همه گیری روبرو شده و گزینه دوم یعنی برکناری مبارک از قدرت سیاسی را انتخاب کردند.

"مرکز حقوق اقتصادی و اجتماعی مصر"، بیش از ۳۸۱۷ اعتصاب کارگری و تظاهرات با انگیزه بهبود وضعیت اقتصادی در سال ۲۰۱۲ را به ثبت رساند. بیش از هفتاد درصد این حرکتها بعد از قدرت گیری محمد مرسى روی داده است. میزان اعتصابهای کارگری در دوران محمد مرسى به طور متوسط به ۴۵۰ اعتصاب کارگری در ماه رسید. این میزان بین ژانویه تا مارس سال ۲۰۱۳ به هشتصد اعتصاب در ماه افزایش یافت. آمار و ارقام دقیق به خوبی نشانگر افزایش بسیار سریع اعتصابهای کارگری بعد از ماه مارس دارد. کارگران در اعتصابات مزبور بیشتر به فساد دولتی، بسته شدن کارخانه ها، نداشتن امنیت شغلی، عدم مدیریت سالم و اعمال تهدید و ارباب سیستماتیک از سوی صاحبان صنایع و ماموران دولتی معترض بودند. (۷)

کارگران طی دهه ها حاکمیت حسنی مبارک به دلیل اعمال استبداد خشن قادر به حرکتهای وسیع جمعی نبودند، اما شرایط انقلاب سبب شد تا آنها به سرعت به سازماندهی پتانسیل انقلابی خود بپردازند، زیرا کارگران تنها با شرکت در پراتیک که نقطه شروع و منشا هر شناختی است، با واقعیتهای عینی روبرو می گردند. طبقه کارگر در این روند، آگاهی طبقاتی خود را افزایش می دهد و به شناسایی دشمنان طبقاتی شان و آنانی که با او منافع مشترک طبقاتی دارد، می پردازد. این نیز یکی دیگر از مهمترین ویژگیهای انقلاب است، همانگونه که رزا لوکزامبورگ، انقلاب را "مدرسه پرولتاریا" نامید.

مرسى باوجود دادن وعده های انتخاباتی به مردم مبنی بر ثبات، آزادی و عدالت اجتماعی، لیکن ادامه برنامه های اقتصادی حسنی مبارک مبنی بر نو - لیبرالیسم اقتصادی را در دستور کار خود گذاشت. وی از بانک جهانی خواستار ۴.۸ میلیارد دلار وام شد که با خیزش اخیر متوقف و دریافت آن هرگز عملی نگردید. گفتگوها با بانک جهانی در حالی در جریان بود که از یک سو مرسى به گزارش "میدل ایست آنالین"، اول ماه مه در تلویزیون دولتی مصر اعلام کرده بود که خصوصی سازی واحدهای اقتصادی پایان می پذیرد و مساله ای مربوط به گذشته می باشد و از سوی دیگر، از دلایل عمده اعتراضات

و اعتصابات کارگری مصر، مخالفت با ورشکسته شدن صنایع در پی خصوصی سازی و قطع سوبسیدهای دولتی در دوران حسنی مبارک بود.

در هر صورت، اخوان المسلمین به مثابه نه تنها یک نیروی صرفاً مذهبی، بلکه بخشی از قدرت بورژوازی جهانی در صد گام برداشتن در راستای اجرای برنامه های صندوق بین الملل پول و بانک جهانی بود. این موضوع به موازات وضعیت وخیم اقتصادی مصر که بی تاثیر از بحرانهای ساختاری سرمایه داری نبود، باعث شد تا کارگران بیش از پیش نسبت به دولت جدید بی اعتماد گردند. دولت مرسی با زیرپا گذاشتن تعهدات و قول و قرارهای خود، موجب تشکیل اتحادیه ها و تشکلهای بیشتر کارگری جهت برگزاری اعتصابات و اعتراضها افزون تر گردید. در فوریه ۲۰۱۳، ۱۲۰۰ نفر از کارگران تخلیه و بارگیری بنادر دریای سرخ به مدت شانزده روز برای بهبود امنیت شغلی شان دست به اعتصاب زدند. حتی پایگاه خبری "بلومبرگ" آمریکایی از اعتصاب کارگران مذکور حیرت زده شد و اعلام کرد که "حتی یک کانتینر در بندرگاه اصلی مصر جهت تجارت در آسیا، وارد یا خارج نشده است." (۸)

در فوریه ۲۰۱۳، ۳۷ هزار تن از کارگران صنعت راه آهن برای افزایش دستمزد و مدت زمان مرخصی دست به اعتصابی زدند که در سی سال اخیر بی نظیر بود. به گزارش خبرگزاری "چاربل" مورخ ۴ آوریل ۲۰۱۳، ارتش و ماموران دولتی به تهدید کارگران پرداختند تا به اعتصاب خود پایان دهند. در این زمان، اتحادیه قطار شهری نیز ضمن اعلام همبستگی با کارگران اعتصابی صنعت راه آهن، تهدید به اعتصاب کرده و از ارتش خواست تا از وحشت پراکنی دست بکشد. ارتش اعلام کرده بود که اگر کارگران صنعت راه آهن به اعتصاب خود پایان ندهند، به شش ماه زندان و پرداخت ۵۰۰۰ پوند مصری جریمه خواهند شد. (۹)

با آنچه پیرامون خیزش جدید جنبش کارگری مصر در بالا عنوان شد، بی تردید می توان بر نقش برجسته و شایسته طبقه کارگر در تحقق دو انقلاب اخیر در کشور مصر پی برد. طبقه کارگر مصر با مشارکت در روند مبارزه علیه دو دولت بورژوازی به درستی نشان داده است که به قدرت خود جهت ایجاد تغییرات دموکراتیک باور داشته و در صورت بهره جویی از شرایط باز سیاسی بعد از انقلاب، قادر است نقش عظیم خود را در روند دموکراتیزه کردن جامعه آینده مصر در تاریخ به ثبت رساند. مشارکت جدی طبقه کارگر مصر در انقلابهای اخیر از آن رو که طبقه کارگر تنها در پروسه مبارزه قادر است حزب انقلابی خود را ساخته و بر موجودیت نظام بهره کشی انسان از انسان نقطه پایان بگذارد نیز شایان توجه و دارای اهمیت است.

پانویسها

(۱)

John Hudson, Knives Come Out for US Ambassador to Egypt Anne Patterson, Foreign Policy, July 3, 2013

(۲)

Zogby Research Service, تحقیقات پیرامون رفتار و گرایشات مردم مصر بعد از میدان التحریر توسط موسسه عربی - آمریکایی

(۳)

شبکه خبری زنان، اول ماه می ۲۰۱۳

(۴)

Kingsley, P, 2013, "Egypt 'suffering worst economic crisis since 1930s'" Guardian (16 May)

(۵)

SCAF Statement of 10 February 2011, New York Times, 2011

(۶)

Alexander, Anne, 2012, "The Egyptian Workers' Movement and the 25 January Revolution", International Socialism 133 (winter)

(۷)

Enein, Ahmed Aboul, 2013, "Labour strikes and protests double under Morsi", Daily News [Cairo] (April 28)

(۸)

Lynch, David, and Nadine Marroushi, 2013, "Workers Adding to Egyptian Chaos as Strike Wave Disrupts Economy", Bloomberg (February 27)

(۹)

MENA Solidarity Network, 2013a, "Egypt: Independent unions, revolutionary activists slam conscription of rail strikers" (April 10)

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.co

مصر: انقلاب مردمی، نه یک بحران یا کودتا!



نوال السعداوی

برگردان: آوا بیات

در طول تاریخ، هر انقلاب، ضد انقلاب خود را داشته است. اخیراً نیروهای داخلی و خارجی متحد شده اند (همان گونه که در مصر عمل کردند) تا انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ را عقیم گذارند.

اما اخوان المسلمین در عقیم سازی انقلاب اخیر در ۳۰ ژوئن ۲۰۱۳ شکست خورد، و شکست آنها ادامه خواهد یافت چرا که کسانی که علیه شان طغیان کرده اند از گذشته درس گرفته اند. آگاهی آنان با سازماندهی و اتحاد عمیق تر شده است. سی و چهار میلیون جوان، مرد و زن به خیابانها و میدانها سرازیر شدند. آنها مصمم به سرنگونی دولت مذهبی تحت کنترل اخوان المسلمین بودند و در برابر همه ی کسانی که از اخوان المسلمین حمایت می کردند در خانه و خارج از کشور ایستادند.

آنها می خواستند تمام کسانی که از مذهب برای منافع سیاسی و اقتصادی خود استفاده می کنند را بیرون کنند و مرسی را برکنار نمایند. خواست مردم قدرتمندتر از ارتش، پلیس و هر سلاح مذهبی یا اقتصادی بوده و هست. این است درس تاریخ بشری: هیچ اصلی بالاتر از حقیقت و خلوص نیت در جست جوی عدالت، آزادی و شان انسانی نیست.

اخوان المسلمین در طول حکومت اش سعی کرد مردم را به دو دسته ی مومنان و مرتدان تقسیم کند، اما شکست خورد. در جمعیت مخالف مرسی مومنان (مسلمانان) بسیاری حضور داشتند. قدرت میلیونها نفر مانند دریایی بود که از خود با نیروی خود محافظت می کرد و امواج بزرگ چنها و ارواح را دور می نمود.



شبه نظامیان اخوان المسلمین زنان و مردان جوان را کشتند اما جمعیت در خیابانها، محله ها و حومه ی شهر افزایش یافت. آنها از گلوله ها نترسیدند، حتی یک قدم نیز عقب ننشستند، بلکه تا سرنگونی رژیم به پیش روی خود ادامه دادند. انقلابیون به ارتش ملی رو کردند و ارتش واکنش نشان داد. پلیس نیز به جای رژیم به مردم خدمت کرد. دوره ی جن، ارواح و خرافات به اتمام رسید. نور دانش، حقیقت، عشق و خلاقیت روز به روز افزایش می یابد. و هنوز امپریالیستها و آمریکاییها ادعا می کنند که این انقلابی نبود که رژیم مشروع نوینی را مطالبه کند بلکه فقط یک بحران یا کودتا علیه دموکراسی است.

در ۵ جولای من گروهی از مردان آمریکایی را در سی.ان.ان دیدم که تهدید می کردند کمک به انقلابیون مصری را قطع خواهند نمود. و من با صدای بلند خندیدم. امیدوارم آنها این کمکها را قطع کنند. چرا که در دهه ی ۷۰ در زمان انورالسادات این کمکها حیات سیاسی اقتصادی ما را نابود کرد. این کمکها بیش تر از هر کس به خود امریکا کمک می کند. این کمکها مستقیم به جیب طبقه ی حاکم می رود و آن را فاسد می نماید. این کمکها سلطه ی استعماری آمریکایی-اسرائیلی بر سرزمین ما را نیرومندتر می کند. تمام چیزی که مردم مصر از این کمکها به دست می آورند فقر بیشتر و تحقیر شدن است.

دموکراسی چیزی بیش تر از انتخابات است. مشروعیت معنایی بیش از صندوقهای رای دارد، مشروعیت به معنای قدرت مردم است.



ما مصریان به قانون اساسی جدیدی نیاز داریم که اصول انقلاب را محقق سازد: برابری برای همه بدون تمایز در جنسیت، مذهب یا طبقه. این اولین قدمی است که باید برداریم نه این که فقط در برگزاری انتخابات ریاست جمهوری یا مجلس عجله کنیم. ما نباید اول سراغ اراجه برویم بلکه ابتدا باید به فکر مهیا کردن اسب باشیم. نباید اشتباهات گذشته را تکرار کنیم.

ما به یک رهبری همه‌گانی و انقلابی نیاز داریم نه تنها یک رهبر.

این یک انقلاب تاریخی است نه فقط یک کودتای نافرجام یا جنبش اعتراضی یا طغیان علیه بی‌عدالتی. این انقلابی است که تا زمانی که همه ی اهداف اش محقق شود ادامه خواهد داشت.

منبع: گروه پروسه

www.processgroup.org

<http://www.juancole.com/2013/07/peoples-revolution-saadawi.html>

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

خصوصی سازی متکی بر رانت، تحکیم استبداد (۷)

شهره صابری

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و تک قطبی شدن جهان، برای اولین بار نظام سرمایه داری تمام جهان را قلمرو جولان خود دید و آن را «نظم نوین» معرفی کرد. تکامل سرمایه داری انحصاری به اقتصاد نئولیبرال از دهه ی ۷۰ میلادی در جهان سرمایه داری و در کانون آن در آمریکا شروع شد. این شکل از مناسبات سرمایه داری قدرت هژمونیک خود بر تمام عرصه های حیات جامعه را اعمال کرد. حتی احزاب چپ در دنباله روی از گرایش به شدت راست جهانی، مدافع کاهش خدمات رفاهی از برنامه دولتها شدند.

در این مسیر مردم کشورهای جنوب شرقی آسیا و آمریکای لاتین به طرز وحشیانه ای مورد استثمار قرار گرفتند. از آنجایی که عضویت کشورهای از لحاظ صنعتی عقب ماده در اقتصاد جهانی امری گریز ناپذیر است، خصوصی سازی به قصد پیوستن به اقتصاد جهانی و تامین منافع طبقه حاکم در دستور کار قرار گرفته و به سرعت عملی می شود که نمونه آن در ایران با حذف یارانه ها در حال اجرایی شدن است.

بازار بی قانون که اکنون مهمترین قانون و نیروی مسلط بر انسانهاست خود را در تضاد با هر گونه حمایت از تولید ملی و اعمال قانون در بازارهای جهان می بیند. از این رو خصوصی سازی کامل و عدم ارائه ی هرگونه خدمات رفاهی پیش شرط ورود به اقتصاد جهانی می شود. در ایران در ادامه سیاستهای رفسنجانی، خاتمی و احمدی نژاد، حسن روحانی، شیخ کمر بسته برای خوش خدمتی به اربابان زور و سرمایه، از ابتدای شروع تبلیغات خود، خصوصی سازی کامل و قطع یارانه ها و برداشتن هرگونه چتر حمایت دولتی از سر مردم را مهمترین نکته برنامه ی خود اعلام کرد. شعارهای اعم از عقلانیت و اعتدال را هماهنگ با این برنامه ی خیانتکارانه رسانه ای کرد. عقلانیت صوری همراه با اعتدال، در شرایط تسلط مناسبات سرمایه داری و قدرت سیاسی آن، راه را برای به فقر کشاندن بیشتر مردم هموار می کند.

عقلانیت با تقسیم بندی مارکوزه به عقلانیت صوری (تفکر تکنوکراتیک) و خرد تقسیم می شود. عقلانیت صوری هدف خود را استفاده از موثرترین روشها برای خدمت به نیروهای سلطه گر می بیند. اما خرد مستلزم ارزیابی وسایل بر حسب فرجام ارزشهای انسانی، عدالت، صلح و شادمانی است. عقلانیت صوری ویژگی شاخص جهان نوین است. وقتی روحانی عقلانیت و اعتدال را در کنار خصوصی سازی و پیوستن به نظام اقتصاد جهانی می آورد، منظور او از عقلانیت، عقلانیت صوری (تفکر تکنوکراتیک) حاکم بر جهان نوین است که بازار را مهمترین وسیله ی سلطه بر جهانیان قرار داده است. اعتدال و عدم سخت گیری از مهمترین ویژگیهای اعمال سلطه بر افراد است. در واقع در این جامعه انسانها خود ارباب سلطه بر خود هستند و مقدمات توتالیتراریسم را خود برای خود مهیا می کنند. اما شرایط در ایران و کشورهای دیگر با هر درجه ای از عقب ماندگی غیر از این است. شیخ دیپلمات با عزمی جزم شده از ابتدای انتخاب خود به عنوان رئیس جمهور، برای تامین بیشتر منافع غرب و آمریکا به نامه نگاری و شکر ریزی و دعوت مهمان مشغول است. ادامه ی این روند ناگزیر برای تامین منافع اربابان زور و سرمایه به تعطیلی و ورشکستگی واحدهای تولیدی کشور، سطه ی امپریالیسم و استثمار بیشتر زحمتکشان کشورهای غیر صنعتی خواهد انجامید. در سیستم سرمایه داری نوین، سرمایه ی انحصاری بر خلاف شعار نئولیبرالیسم یعنی حمایت از اقتصاد رقابتی، کشورهای از نظر صنعتی عقب مانده توانایی رقابت را نخواهند داشت و از دور رقابت خارج خواهند شد. این سیاست به طبقاتی شدن هرچه بیشتر جوامع از نظر صنعتی عقب مانده منجر می شود. و پیش درآمدهای آن کاهش ۶۷ درصدی قدرت خرید کارگران، تعطیلی واحدهای تولیدی، افزایش نرخ بیکاری و تورم و فربه تر شدن طبقات بالایی جامعه است.

تفسیر «غلط، بد و خطرناک»

مهدی سامع

روز یکشنبه ۳۰ تیر، سید علی خامنه ای در دیدار محمود احمدی نژاد و برخی از مسئولان و کارگزاران نظام به برخی از مهمترین مسایل مربوط به ولایتش پرداخت. وی در این سخنرانی به تفصیل پیرامون اندیشه های خمینی صحبت کرد و گفت: «قرائت امام که در سخنان، نوشته ها و آثار ایشان از جمله در وصیتنامه آن بزرگوار، کاملاً بین و آشکار است، به عنوان حجت و شاخص مورد قبول نخبگان، زُبدگان، مسئولان و آحاد ملت است، البته گاه تفسیر غلطی از دیدگاههای امام ارائه می شود که کار بد و خطرناکی است.»

خامنه ای آدرس کسانی که «تفسیر غلط» از دیدگاههای خمینی مطرح می کنند نمی دهد. اما واضح است که طرف حساب او کسی است که دیدگاههای خمینی را به شکلی متفاوت از خامنه ای «کاملاً بین و آشکار» می داند. خامنه ای عمد دارد که طرف حساب خود را با اسم و رسم معرفی نکند. اما همگان می دانند که این تنها رفسنجانی است که می تواند «تفسیر» متفاوت از مقام معظم در مورد گفتار و کردار خمینی ارایه دهد. این که کدام تفسیر درست یا نادرست است، نه مساله ولی فقیه است و نه مساله رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام. موضوع فراتر از «تفسیر غلط» از سخنان خمینی است. مساله اصلی «کار بد و خطرناکی» است که خامنه ای آن را بر نمی تابد. یک روز قبل از سخنان خامنه ای، در سایت هاشمی رفسنجانی مطلبی با عنوان «روایت آیت الله از نوشیدن جام زهر» منتشر شد. رفسنجانی در این نوشته

تاکید می کند که عبارت «جام زهر را می نوشم» از جانب خمینی یک «انتخاب» «به خاطر مصلحت» بوده است. این همان نکته گُشَنده تر از جام زهر است که خواب مقام معظم را آشفته می کند. خامنه ای می داند که شرایط برای امنیت نظام جمهوری اسلامی بسیار متفاوت تر از ۲۴ سال قبل که خمینی جام زهر آتش بس را نوشید، است. از نگاه خامنه ای نوشیدن جام زهر در شرایط کنونی، امنیت کلیت نظام را زهر آلود می کند و این همان نکته ایست که ولی فقیه «بد و خطرناک» می داند. اما رفسنجانی از نگاه دیگر به موضوع امنیت نظام ولایت فقیه می نگرد. رفسنجانی بر خلاف خامنه ای که با سیلی صورت خود را سرخ نگه می دارد، عمد دارد که بگوید «کسانی کشور را به این روز» انداخته اند و چون «نمی توانیم با جهان قهر باشیم و به تکامل فکر کنیم»، باید جام زهر دیگری این بار در مساله اتمی نوشید تا امنیت ولایت با کارت «اعتدال» تامین شود. البته رفسنجانی این را به شکلی بیان می کند که برای خامنه ای قدرت مانور وجود داشته باشد. در «روایت آیت الله از نوشیدن جام زهر» این مسیر به صورت یک سوال و جواب به شرح زیر مطرح شده است.

«سؤال: به عنوان فقط یک سؤال از جنابعالی می خواهم نظرتان را درباره قیاس دو پرونده دفاع مقدس و هسته یی بفرمایید؟ دو پرونده یی که در هر دوی آنها حق مسلمی متوجه ملت و نظام بوده و هست. اگر هر دوی آنها در دو کفه یک ترازو قرار دهیم چه شباهتها و تفاوتهایی میان این دو پرونده می توانید ببینید؟ آیا می توان از پرونده دفاع مقدس برای پرونده هسته یی درس بگیریم؟»

رفسنجانی نمی خواهد در این باره صحبت کنم، برای این که الان میدان داغ تصمیم گیریهاست. اگر بگوییم پرونده دفاع مقدس و هسته یی شباهتی دارند یک نوع پیش داوری است. اگر روزی در این باره بحث شود باید بین ما، رهبری و عقلای قوم شود تا نظام هر تصمیمی بخواهد بگیرد. اما الان ربطی به هم ندارند.» رفسنجانی که خود را «ما» معرفی می کند، در

تدارک روزی است که همراه با «رهبری و عقلای قوم» تصمیم لازم را بگیرند. تفسیر حرفهای خمینی به این شکل به عمل تبدیل می شود.

هم خامنه ای و هم رفسنجانی می توانند مدعی فهم درست از حرفهای خمینی باشند. اما مساله بر سر «فهم» یک موضوع نیست. مساله بر سر تکرار یک عمل است که برای خامنه ای گشوده و برای رفسنجانی نجات دهنده است. خامنه ای با تکیه بر ابزارها و فرصتهایی که در اختیار دارد در مقابل «اعتدال» که همان «مشروط» شدن ولایتش است ایستادگی می کند و رفسنجانی با توجه به شرایط «کشور» به ولی فقیه فشار وارد می کند. هر دو جناح با شتاب به سازماندهی مجدد «لشگر و ساز و برگ» خود مشغول هستند. مساله اصلی برای خامنه ای تدارک یک سلسله پاتک به منظور حفظ یک سرگی نظام است و برای رفسنجانی از دست ندادن فرصت در شکست پروژه انتخاباتی خامنه ای.

این جدال بر سر مشارکت در قدرت و ثروت در شرایطی شدت و حدت گرفته که جدال اصلی بین مردم و حاکمیت هم ابعاد جدیدی پیدا کرده است. اعدامهای گسترده یکی از مهمترین نشانه های ترس رژیم از ابعاد خشم، نفرت و انباشت عظیم نارضایتی است. حرکتهای اعتراضی کارگران و مزدبگیران که در حدود ۶۰ روز حرکت اعتراضی بوده، نشانه دیگری از این شرایط است. در بطن و در زیر پوست جامعه هم حرکات اعتراضی صورت می گیرد که برای ولایت خامنه ای «بالا تر از خطر» است. چند نمونه از صدها نمونه که روزانه در رسانه های حکومتی بازتاب دارد به قرار زیر است.

- روز چهارشنبه ۱۹ تیر آیت الله غیاث الدین طه محمدی، نماینده ولی فقیه در استان همدان گفت: «اکنون وضعیت جامعه ما به گونه ای است که برخی زنان برای جنگیدن با فرهنگ عفاف و حجاب مسابقه گذاشته اند... اگر وضعیت عفاف و حجاب در جامعه درست نشود، وضع جامعه ما نیز از نظر مشکلات اخلاقی همچون اروپا و آمریکا خواهد شد.» (فارس)

- روز شنبه ۲۲ تیر، پرویز علیزاده، معاون اجتماعی و پیشگیری دادگستری آذربایجان غربی گفت: «روزه خواری در ملاء عام جرم محسوب می شود... آمارها نشانگر این است که هر سال تعداد موارد دستگیری روزه خواری در آذربایجان غربی رو به افزایش است... برخی از روزه خواران به عمد و با هدف دهن کجی به شعائر مذهبی [بخوانید به استبداد دینی] و حرمت این ماه مبارک، دست به این عمل زشت می زنند.» (فارس)

- روز جمعه ۲۱ تیر، حجت الاسلام رضایی بیرجندی، قائم مقام نماینده ولی فقیه در خراسان جنوبی گفت: «امروز خطر شبکه های ماهواره ای اجتماعی مانند فیس بوک، توئیتر و ... از خطر مواد مخدر بیشتر است.» (انتخاب)

- روز جمعه ۲۱ تیر، حجت الاسلام حسن ابراهیمی، امام جمعه شهرستان انار در استان کرمان در خطبه های نماز جمعه این شهرستان گفت: «مردانی که زنان آنها با آرایش از خانه بیرون می روند حقشان است که "دیوث" نامیده شوند.» (انار پرس)

وقتی مردم در شهرهای کوچک و متوسط این چنین حاکمیت دینی را به سُخره می گیرند، می توان حدس زد که در کلان شهر تهران و شهرهای بزرگ چه نیرویی علیه ولایت خامنه ای و استبداد مذهبی انباشت شده است. باند رفسنجانی برای جلوگیری از انفجار اجتماعی ولی فقیه را به نوشیدن جام زهر تشویق می کنند.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید nabard@iran-nabard.com

خبرگزاری فرانسه: افشای یک سایت مخفی جدید هسته یی رژیم توسط مجاهدین

پنجشنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۲ - ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۳

- این سایت در درون یک سری تونلهایی است که در زیر کوهی حوالی شهر دماوند قرار دارد. اپوزیسیون رژیم ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران امروز اعلام کرد که اطلاعاتی در مورد یک سایت مخفی جدید هسته یی رژیم ایران را در نزدیکی دماوند در استان تهران، به دست آورده است.

شورای ملی مقاومت ایران (که مجاهدین خلق بخشی از آن هستند) طی اطلاعیه ای اعلام کرد: «شبکه سازمان مجاهدین خلق در داخل کشور اطلاعات قابل تکیه یی را در مورد یک سایت جدید کاملاً مخفی برای اهداف هسته یی رژیم، به دست آورده است که طی یک سال از حدود پنجاه منبع مختلف ارگانهای رژیم کسب شده است».

شورای ملی مقاومت که رهبری آن در پاریس مستقر است اپوزیسیون اصلی ایران است. در گذشته در چندین نوبت این شورا دست به افشاگری در مورد برنامه هسته یی رژیم ایران زده است.

شورا (ی ملی مقاومت) توضیح می دهد: «این سایت یک مرکز جدید برای فعالیتهای هسته یی است. اسم کد آن معدن شرق (که اسم معدنی در نزدیکی آن است) یا پروژه کوثر می باشد. این سایت در درون یک سری تونلهایی است که در زیر کوهی حوالی شهر دماوند (شمال تهران) قرار دارد».

شورا (ی ملی مقاومت) گفت: «ساختن فاز اول این سایت از سال ۲۰۰۶ شروع شده و اخیراً به پایان رسیده است. فاز اول شامل کندن تونلها و ساختن چهار سوله در محوطه بیرونی و تأسیسات سایت، محوطه سازی و ساختن جاده ها برای سایت می باشد».

به گفته شورای ملی مقاومت: «این امر قابل توجهی است که شرکت ایمان گستران محیط این پروژه را اداره می کند و کنترل بخش مربوط به جنبه های هسته یی، بیولوژیک و شیمیایی آن را به دست دارد. مدیرکل ایمان گستران محیط، محسن فخریزاده، شخصیت کلیدی برنامه هسته یی رژیم ایران است».

آژانس بین المللی انرژی اتمی بدون این که به نتیجه برسد خواستار دیدار با محسن فخریزاده که یک افسر سپاه پاسداران است شده است.

خبرگزاری فرانسه افزود: شورای ملی مقاومت ایران در اطلاعیه خود می نویسد: «ساختن فاز دوم سایت اخیراً شروع شده است (... پیش بینی شده که ۳۰ تونل و ۳۰ سوله در این مرحله دوم ساخته شود».

شورای ملی مقاومت تأکید کرد که «این افشاگرها یک بار دیگر نشان می دهد رژیم ملاحه به هیچ وجه قصد ندارد پروژه ساختن بمب هسته یی خود را متوقف یا معلق کند». شورا آژانس بین المللی انرژی اتمی را فرامی خواند که «سریعاً از این سایت دیدن کند».

به گفته شورای ملی مقاومت، رئیس جمهور جدید رژیم ایران حسن روحانی که مستقیماً مذاکرات بر سر فعالیتهای هسته یی را هدایت کرده است «نقش کلیدی در ادامه این برنامه داشته» و از نظر شورا «مدره تلقی کردن وی و بستن امید تغییر به او یک اشتباه هولناک است».

**سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در
ایران را به شدت محکوم می کنیم.**

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در تیر ۱۳۹۲

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

*روز یکشنبه ۲ تیر بیش از ۵۰۰ تن از اعضای انجمن‌های صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی سراسر کشور با تجمع در مقابل مجلس، خواستار لغو «بند ۱۰ الحاقی قانون بودجه سال ۹۲» شدند.

به گزارش ایلنا، در این بند، برای بیمه کارگران ساختمانی ردیف بودجه ناکافی تعیین شده است. تعداد کارگران ساختمانی که باید بیمه شوند بیش از ۲ میلیون است.

*روز سه شنبه ۴ تیر خانواده جلیل محمدی و جمعی از فعالان کارگری و اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری برای پیگیری وضعیت جلیل محمدی فعال کارگری در مقابل دادگاه انقلاب سنج جمع نمودند. به گزارش کمیته‌ی هماهنگی...، بعد از حدود ۲ ساعت تجمع در مقابل دادگستری، مسئول دفتر معاون دادستان به خانواده جلیل محمدی اعلام کرد که به دلیل عدم حضور دادستان و قاضی

پرونده برای پیگیری روز شنبه ۸ تیر مراجعه نمایید. تجمع کنندگان اعلام کرده اند که شنبه برای پیگیری وضعیت این فعال کارگری در مقابل دادگستری مجددا تجمع خواهند نمود.

*صبح روز چهارشنبه ۵ تیر جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی شهرستان البرز قزوین با تجمع در مقابل ساختمان خانه کارگر و دفتر کانون کارگران بازنشسته این شهرستان اعتراض خود را نسبت به تاخیر افتادن پرداخت افزایش ۲۵ درصدی مستمریها اعلام کردند.

به گزارش ایلنا، بازنشستگان تأمین اجتماعی این شهرستان به عملی نشدن وعده های رئیس کانون عالی بازنشستگان کشور و مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی در خصوص افزایش ۲۵ درصدی مستمریها اعتراض دارند.

*به دنبال اعتصاب کارگران قراردادی مجتمع فولاد خوزستان، کارگران رسمی این کارخانه نیز در حمایت از همکاران قراردادی خود به آنان پیوستند و حدود چهار هزار کارگر این کارخانه روز چهارشنبه ۵ تیر در اقدامی متحدانه تولید در مجتمع فولاد اهواز را خواباندند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، از اول سالجاری تا کنون ۲۵ درصد افزایش حداقل مزد کارگران قراردادی این کارخانه اعمال نشده است به همین دلیل آنان روز سه شنبه ۴ تیر در اقدامی اعتراضی از گرفتن غذای رستوران کارخانه خودداری کردند و سپس روز چهارشنبه به طور یکپارچه ای دست از کار کشیدند و ساعتی بعد کارگران رسمی نیز در حمایت از خواست بر حق همکاران قرار دادی خود به اعتصاب پیوستند.



Iranian Labour News Agency



مجتمع صنایع فولاد اهواز در جنوب شرقی این شهر واقع شده است. راه آهن اهواز- سربندر و بندرامام از کنار این صنعت می گذرد. ساختمان صنایع مجتمع فولاد اهواز در سال ۱۳۵۳ شروع شد و آغاز به فعالیت نمود. واحدهای مهم صنایع فولاد اهواز عبارتند از، واحد گند له سازی، واحد احیای ۱ و ۲، واحد ذوب، واحد انباشت و برداشت، واحد تولید اکسیژن و واحد تامین آب. واحد ذوب فلز مهمترین واحد این صنعت بزرگ است،

*روز یکشنبه ۹ تیر، حدود ۳۰۰ کارگر شرکتهای پیمانکاری فرودگاه خمینی در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و مزایایشان جلوی دفتر مجری طرح که وابسته به وزارت راه و شهرسازی در کمربندی شمالی فرودگاه خمینی است، تجمع کردند.

به گزارش فارس این کارگران اجرای پروژه باند جنوبی این فرودگاه، ترمینال زیارتی و بخش توسعه حمل بار در این فرودگاه بین‌المللی را بر عهده دارند.

*صبح روز شنبه ۸ تیر کارگران بیکار شده ی کارخانه کرمانیت در تداوم اعتراضات پیشین خود؛ در مقابل سازمان تامین اجتماعی استان کرمان تجمع نمودند و خواستار رسیدگی به وضعیت کاری خود شدند. به گزارش هجرت نیوز، کارگران بیکار شده کرمانیت پیش از این هم در اردیبهشت و خرداد سال جاری در مقابل استانداری و اداره کار تجمع نموده و صدای اعتراض خود را به گوش مسئولان رسانده بودند که در پاسخ فقط وعده شنیدند.

*روز شنبه ۸ تیر کارگران و نیروهای خدماتی شهرداری منطقه ۶ اهواز دست به یک تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا کارگران و نیروهای خدماتی شهرداری منطقه ۶ اهواز علاوه بر اینکه از فروردین ماه سال جاری حقوق دریافت نکرده اند، بابت حق بیمه، اضافه کاری، حق لباس و سنوات سال ۹۱ نیز طلبکارند.

*به گزارش ۹ تیر حدود ۵۰۰ تن از اعضای یکی از تعاونیهای مسکن مهر برای اعتراض به نحوه ساخت و ساز و عدم تحویل خانه های خود در موعد مقرر، در مقابل استانداری کرمان تجمع کرده و خواهان رسیدگی استاندار به این وضعیت شدند. به گزارش تسنیم، اعضای تعاونی یاد شده در سال ۸۵ با پرداخت ۱۸ میلیون تومان پول نقد و دریافت ۲۵ میلیون تومان وام از تعاونی مسکن، برای آپارتمانهای مسکن مهر ثبت نام کردند، اما به گفته معترضان، تاکنون تنها ۱۲۰ واحد به اعضا واگذار شده و ۳۸۰ واحد باقی مانده نیمه کاره رها شده است.

*به گزارش روز یکشنبه ۹ تیر هرانا، در پی اخراج ۴۲ تن از کارگران شرکت قطعات توربین شهریار وابسته به توانیر استان البرز، کارگران این کارخانه از یک هفته پیش تا کنون در اعتصاب بسر می برند.

یکی از فعالان کارگری این کارخانه در گفتگو با هرانا اعلام داشت: «از ابتدای ماه جاری با اخراج سه نفر دیگر از تکنسینهای بخش بازسازی که هرکدام بالای ده سال سابقه داشتند موجب بروز اعتراض شدید پرسنل گردیده و به همین سبب

کارگران از اول ماه جاری از ورود مدیران به داخل شرکت ممانعت بعمل آورده و موج جدید اعتصابات در دو شیفت کاری صبح و عصر به مدت یک هفته ادامه دارد.»

*به دنبال زمزمه واگذاری کارخانه کیان تایر (لاستیک البرز) به کارفرمای سابق آن، بار دیگر شعله های آتش از این کارخانه زبانه کشید و کارگران این کارخانه روز سه شنبه ۱۱ تیر دست از کار کشیده و اقدام به تجمع و آتش زدن لاستیک در محوطه درونی کارخانه مشرف به جاده اسلامشهر کردند.

به گزارش رسیده اتحادیه آزاد کارگران ایران، به دنبال این اقدام اعتراضی از سوی کارگران، مسئولان شورای تامین استان در محل حاضر شدند و به دنبال مذاکراتی که صورت گرفت کارگران به تجمع خود پایان دادند و به طور قاطعانه ای اعلام داشتند تحت هیچ شرایطی کارفرمای سابق را به کارخانه راه نخواهند داد و چنانچه وزارت صنایع بدون توجه به خواست کارگران اقدام به اینکار کند دست به اعتراضات گسترده ای خواهند زد.

*به دنبال عدم پرداخت اضافه کاری و دو ماه از دستمزد کارگران کارخانه نورد لوله صفا، کارگران این کارخانه صبح روز سه شنبه ۱۱ تیر به طور یکپارچه تولید در این کارخانه را خواباندند و خواهان پرداخت اضافه کاریها و دستمزدهای معوقه خود شدند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران اعتصابی این کارخانه به دنبال تکرار وعده و وعید از سوی مسئولان شرکت چنان خشمگین شدند که درصدد تخریب اموال کارخانه بر آمدند اما با میانجی گری نمایندگانیشان آسیبی به اموال کارخانه نرسید.

مدیریت کارخانه دستمزد اردیبهشت ماه کارگران را به حساب آنان واریز کرد و در ادامه متعهد شد از این پس دهم هر ماه دستمزد کارگران را به حساب آنان واریز کند.

کارگران اعتصابی کارخانه نورد لوله صفا به دنبال این موفقیت بر سر کارهای خود بازگشتند.

*صبح روز سه شنبه ۱۸ تیر جمعی از بازنشستگان شرکت اتوبوسرانی شهر تهران با تجمع در مقابل ساختمان شورای شهر به آنچه «محاسبه نشدن ده سال از سابقه بیمه شان» ذکر می کردند، اعتراض کردند.

به گزارش ایلنا، این گروه با تجمع در مقابل ساختمان شورای شهر و با در دست داشتن پلاکاردهایی خطاب به شهردار و رئیس شورای شهر خواهان اجرای قانون شدند.

*روز سه شنبه ۱۸ تیر جمعی از بازنشستگان صندوق فولاد کشور در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوقشان، مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند.

به گزارش فارس، تاکنون جمعی از بازنشستگان صندوق فولاد چندین مرتبه به دلیل دریافت دیر هنگام حقوق خود در مقابل استانداری و کانون بازنشستگان استان اصفهان تجمع کرده اند که رسیدگی مسئولان به وضعیت حقوق بازنشستگان صندوق فولاد از مهم ترین خواسته های این افراد بوده است.

*روز چهارشنبه ۱۹ تیر کارگران اخراجی فولاد زاگرس در مقابل اداره کار قروه دست به تجمع اعتراضی زدند.

به گزارش ایلنا، از مجموع ۲۸۵ کارگر این کارخانه ۲۳۵ کارگر با سوابق ۱۰ تا ۲۳ سال کار به دلیل آنچه «افزایش مشکلات مالی کارخانه» عنوان می‌شود، اخراج شده‌اند.

حرکت اعتراضی این کارگران در روز پنجشنبه ۲۰ تیر ادامه پیدا کرد. کارگران در این روز در مقابل استانداری کردستان در شهر سنندج دست به تجمع زدند. ذوب آهن زاگرس که در منطقه قروه دهگلان قرار دارد دارای تعداد سیصد کارگر می‌باشد که در روز چهارشنبه ۱۹ تیر ۲۵۰ تن از آنها اخراج شدند.

*روز شنبه ۲۲ تیر تجمع سه روزه کارگران کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی تبریز با مداخله فرمانداری تبریز خاتمه یافت. به گزارش ایلنا، فرمانداری تبریز کارفرمای این کارگران را مکلف به پرداخت مطالبات معوقه کرده است. این کارخانه زیر مجموعه تراکتور سازی تبریز است که در زمینه ساخت ماشین آلات راه سازی فعالیت دارد. این واحد تولیدی از سال ۸۷ به بخش خصوصی واگذار شده است.

*روز یکشنبه ۲۳ تیر تعدادی از کارکنان بیمه آسیا در مقابل ساختمان اصلی این شرکت تجمع کردند. به گزارش فارس دلیل اصلی این تجمع، اعتراض به میزان افزایش حقوق کارکنان در مقایسه با مدیرعامل بود. روی دیوار ساختمان پلاکاردی نصب شده بود که در آن به رشد ۳۰ درصدی حقوق مدیرعامل در برابر رشد ۱۸ تا ۲۷ درصدی کارکنان اشاره شده بود.

*به گزارش ایران کارگر، جمعی از کارگران اخراج شده از شرکت تولیدی درب و پنجره الومینیم سازی پونل روز یکشنبه ۲۳ تیر در اعتراض به اخراج از کار و عدم دریافت ۱۲ ماه حقوق معوقه خود در مقابل فرمانداری پاکدشت دست به تجمع اعتراضی زدند.

* ۲۵۰ کارگر ذوب آهن کردستان که از کارشان اخراج شده اند در ادامه تجمعات اعتراضی خود، از ساعات اولیه صبح روز دوشنبه ۲۴ تیر با عزیمت به تهران در مقابل بیت ولی فقیه در خیابان پاستور دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان بازگشت بکار و دریافت مطالبات معوقه خود شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، به دنبال این تجمع اعتراضی ۵ نفر از نمایندگان کارگران به داخل محل دفتر ولی فقیه دعوت شدند و در آنجا مسئولان این دفتر با عکاسی از چهرهای این نمایندگان به آنان اعلام کردند؛ بساط خود را از اینجا جمع کنید و بروید، ما اینجا کاری برای شما نمی‌توانیم انجام دهیم، بروید جلو مجلس.



*روز سه شنبه ۲۵ تیر تعدادی از سینماگران در مقابل خانه سینما تجمع کردند.

شامگاه دوشنبه ۲۴ تیر ساختمان شماره یک خانه سینما واقع در خیابان سمنان از سوی حراست وزارت ارشاد پلمپ شد. به گزارش مهر، پس از تجمع سینماگران مقابل خانه سینما به دلیل پلمپ آن در راستای تحویل به رؤسای جدید، فرهاد توحیدی

رییس هیات مدیره خانه سینما اعلام کرد این موضوع را تلفنی به سعید منتظرالمهدی معاون اجتماعی ناجا خبر داده و به این ترتیب تا ۴۸ ساعت آینده هیچ کس حق تصرف خانه سینما را ندارد.

*روز سه‌شنبه ۲۵ تیر دومین تجمع کارگران فولاد زاگرس در تهران در مقابل ساختمان مجلس برگزار شد.



به گزارش ایلنا، این کارگران که دیروز نیز در خیابان پاستور تهران تجمع کرده بودند پیش از این در روزهای ۱۹ و ۲۰ تیرماه در مقابل اداره کار قروه و استانداری کردستان تجمع کرده بودند. دلیل اعتراض این کارگران عدم دریافت سه ماه حقوق و اخراج از کار است. این کارگران شب گذشته را در بهشت زهرا گذراندند. تجمع کارگران فولاد زاگرس در روز چهارشنبه ۲۶ تیر با وجود جلوگیری از ورود نمایندگان کارگران به ساختمان مجلس، کارگران به وعده های روز سه‌شنبه « احمد قادر مرزی » نماینده شهرشان در مجلس اعتماد کردند و به تجمع خود در تهران پایان دادند.

*روز چهارشنبه ۲۶ تیر اعتصاب کارگران شرکت قطعات توربین شهریار وارد ۲۸ امین روز

خود شد. به گزارش وبلاگ کارگران نیروگاههای ایران، کارگران شرکت قطعات توربین شهریار در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خود در اعتصاب به سر می‌برند. قابل ذکر است خانواده های کارگران اخراجی نیز در همراهی با همسران شان جلو درب شرکت تجمع داشتند. اعتصاب کارگران تاکنون باعث تغییر ۲ تن از مسئولان شرکت شده که در اخراج و تنظیم قراردادهای چند ماهه کارگران نقش داشته اند. همچنین مدیریت شرکت مجبور به پرداخت بخشی از پاداشهای معوقه به کارگران شد.

*روز چهارشنبه ۲۶ تیر، کارگران کیان تایر در اعتراض به واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن بار دیگر با آتش زدن لاستیک دست از کار کشیدند. گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، صبح روز چهارشنبه ۲۶ تیر اطلاعیه ای از سوی مدیر عامل جدید این کارخانه که از سوی مالک قبلی به این سمت انتصاب شده است بر تابلوهای اعلانات کارخانه نصب شد. کارگران کیان تایر با مشاهده این اطلاعیه بلافاصله دست از کار کشیدند و با آتش زدن لاستیک در قسمت مشرف به جاده اسلامشهر کارخانه اعتراض خود را تشدید کردند و در پی آن ماموران امنیتی با حضور در محل کارخانه بار دیگر بر وعده خود مبنی بر عدم واگذاری کارخانه به مالک قبلی تاکید نمودند و در پی آن تمامی اطلاعیه های مدیر عامل جدید از تابلوهای اعلانات کارخانه جمع آوری شد.

*کارگران فولاد زاگرس در روز پنجشنبه ۲۷ تیر در مقابل اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگرانی که بامداد روز پنجشنبه از تهران به قروه رسیده بودند با همراهی سایر کارگران اخراجی که به تهران نرفته بودند، برای چهارمین روز متوالی تجمعی را در مقابل اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه برگزار کردند.

*کارگران اخراجی بیمارستان امیرکبیر اهواز در روز پنجشنبه ۲۷ تیر در مقابل این بیمارستان تجمع کردند.

به گزارش فارس، در این تجمع کارگران بیمارستان امیرکبیر اهواز خواستار پرداخت مطالبات خود تا پایان سال ۹۱ شدند که تا کنون پرداخت نشده است.

*عصر روز جمعه ۲۸ تیر جمعی از ساکنان شهرک کوثر اردبیل نسبت به تحویل واحدهای نیمه‌کاره خود در تعاونی مسکن فرهنگیان تجمع اعتراض آمیز برگزار کردند. به گزارش فارس، فرهنگیان به مسئولانی اعتراض داشتند که یک ماه پیش در مراسمی با حضور معاون اول رئیس‌جمهور واحدهای آنها را نیمه‌کاره تحویل داده و هیچ مسئولیتی را در تکمیل این پروژه عهده‌دار نشدند.

*روز یکشنبه ۳۰ تیر بیش از ۱۰۰ کارگر به نمایندگی از کارگران ساختمانی نقاط مختلف کشور در بخش تماشاچیان صحن علنی مجلس شرکت کردند. به گزارش ایلنا؛ این کارگران ساختمانی که از شهرهای کوچک استانهای خراسان شمالی، جنوبی و رضوی، سمنان، گلستان، مازندران، قم، فارس، یزد، لرستان، آذربایجان شرقی و تهران با حضور در ساختمان پارلمان نسبت به مصوبه مجلس شورای اسلامی مبنی بر اختصاص ۹ هزار میلیارد ریال به سازمان تامین اجتماعی برای بیمه کارگران ساختمانی معترضند زیرا این مبلغ برای بیمه کردن یک میلیون و ۷۰۰ هزار کارگر ساختمانی واجد شرایط کافی نیست.

*جمعی از نوازندگان ارکستر سمفونیک تهران و اعضای گروه کُر دفتر موسیقی روز یکشنبه ۳۰ تیر در تالار رودکی تجمع کردند. به گزارش ایستا، در این تجمع نوازندگان خواستار تسهیل در امر قراردادهایشان هستند. نوازندگان از رعایت نشدن حقوق معنویشان در زمینه انتشار آثار صوتی و تصویری ارکستر سمفونیک گلایه دارند.

*اعتصاب ۲۹ روزه کارگران شرکت قطعات توربین شه‌ریار بر سر خواستها و مطالباتی چون توقف اخراج، بازگشت به کار کارگران اخراجی و پرداخت حقوق معوقه که از اهم مطالبات این کارگران بود، روز یکشنبه ۳۰ تیر مدیریت به خواست کارگران تمکین کرده و کارگران دست از اعتصاب کشیدند. به گزارش کارگر صنعت برق، هرچند مبارزات کارگران قطعات توربین شه‌ریار دستاورد بزرگی در مبارزات کارگری محسوب می‌شود، اما در غیاب یک جنبش سراسری علیه سرمایه این پیروزی شکننده است و صاحبان سرمایه در کمین هستند که به این پیروزی کارگری حمله کنند.

*کارگران کیان تایر در اعتراض به واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن در روز یکشنبه ۳۰ تیر دست به تجمع اعتراضی در مقابل وزارت صنایع زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، علیرغم این که کارگران کیان تایر به طور یکپارچه ای شعار می‌داند، اما مسئولان وزارت صنایع با بی توجهی به تجمع کارگران و شعارهای آنان تلاش کردند جوابی به کارگران ندهند که بدنبال این وضعیت کارگران به طور ناگهانی به داخل وزارت صنایع هجوم بردند و پس از سر دادن شعار بار دیگر به خیابان بازگشتند و به شعار دهی ادامه دادند.

*روز دوشنبه ۳۱ تیر حدود ۲۰۰ تن از کارگران اخراج شده کارخانه «فولاد زاگرس» برای پیگیری مطالبات صنفی خود با سفر به تهران مجدداً در مقابل ساختمان مجلس تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از این کارگران گفت: امروز فرصتی که مجلس از کارگران خواسته بود تا به مشکلاتشان رسیدگی کند تمام شده است، با این حال صبر می‌کنیم تا ببینیم چه تصمیمی برای کارگران و کارخانه گرفته می‌شود.

چالش‌های معلمان در تیر ماه

فرنگیس بایقره

نیاز جدی وزارت آموزش و پرورش به ۱۲۰ هزار آخوند

محمد بنیادی در مورد نظامند شدن حضور روحانیون در مدارس گفت: آنچه می‌خواهد نظامند شود، وجود یک روحانی مستقر در هر مدرسه است.

به گزارش ایلنا، روز پنجشنبه ۲۰ تیر، مدیر کل نماز، قرآن و عترت آموزش و پرورش تصریح کرد: تاکنون ۲۱ هزار روحانی را به مدارس برای اقامه نماز اعزام کرده ایم که البته گاهی بعضی از آنها در پاسخ به سوالات دانش آموزان و همچنین ایراد سخنرانی فعال بوده‌اند.

وی با اشاره به اینکه حوزه علمیه باید به فکر ۱۲۰ هزار روحانی برای ۱۲۰ هزار مدرسه باشد، افزود؛ حوزه علمیه باید این پتانسیل را جوابگو باشد چراکه آموزش و پرورش به ۱۲۰ هزار روحانی نیاز جدی دارد.

بنیادی به وجود ۶۰ هزار مدرسه مشخص در کشور اشاره کرد و افزود: در این ۶۰ هزار مدرسه باید ۶۰ هزار روحانی مستقر شوند که از این تعداد تاکنون ۲۱ هزار را در اقامه نماز جذب کرده ایم و همین تعداد را در مدارس مستقر خواهیم کرد تا پاسخگوی دانش آموزان باشند. وی با اشاره به اینکه باید ۴۰ هزار روحانی دیگر در مدارس جذب شوند، افزود: این اقدام با مشارکت حوزه علمیه قم و وزارت آموزش و پرورش در مناطق مختلف کشور صورت خواهد گرفت.

مشاور وزیر در امور قرآنی افزود: امیدواریم سال آینده تحصیلی شاهد استقرار ۶۰ هزار روحانی در مدارس باشیم چرا که این مطالبه آموزش و پرورش است. بنیادی با اشاره به اینکه باید معلوم شود روحانیون باید در کدام مقطع تحصیلی مستقر شوند، افزود: بهترین جای استقرار روحانیت در مقطع ابتدایی است چرا که در مقاطع راهنمایی و دبیرستان دیگر دیر است.

قوانین جدید استخدام در آموزش و پرورش

به گزارش خبرگزاری فارس، وزیر آموزش و پرورش گفت: از این پس معلم تنها از طریق دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه شهید رجایی و در مواردی خاص از طریق آزمون جذب می‌شود.

حمیدرضا حاجی بابایی، وزیر آموزش و پرورش در نشست خبری که در روز سه‌شنبه ۴ تیر در سالن جلسات دفتر وزارتی ساختمان مرکزی وزارت آموزش و پرورش برگزار شد گفت: ما باید نظام حرفه‌ای معلمان را داشته باشیم و کسانی شرایط تدریس در کلاس را پیدا می‌کنند که مراحل حرفه‌ای معلمی را شامل دانش و تخصص معلمی را بیاموزند، ضمن اینکه یک دوره ۶ ماهه برای کسانی که وارد کلاس درس می‌شوند پیش‌بینی شده است.

وزیر آموزش و پرورش ادامه داد؛ از این پس معلم تنها از طریق دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه شهید رجایی و در مواردی خاص از طریق آزمون جذب می‌شود، ضمن اینکه معلمان باید دوره‌های تخصصی و حرفه‌ای را بگذرانند و معلم باید گواهی نامه حرفه‌ای معلمی را دریافت کند. وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه دیگر در آموزش و پرورش حق التدریس نداریم، افزود: نباید در آموزش و پرورش نیروهای کار معین به نام معلم داشته باشیم.

معلمان امکان تاثیرگذاری در صندوق ذخیره فرهنگیان را ندارند

یک فعال صنفی معلمان از ناممکن بودن تاثیرگذاری معلمان در سیاستهای مالی صندوق ذخیره فرهنگیان انتقاد کرد.

به گزارش ایلنا شنبه ۱۵ تیر، پیمان نودینیان در این باره گفت: سالهاست که کسری از حقوق معلمان به حساب صندوق ذخیره فرهنگیان واریز می شود، اما خدماتی که متناسب با سرمایه در گردش این صندوق و شان و جایگاه معلمان باشد، دیده نمی شود.

صندوق ذخیره فرهنگیان یک شرکت مضاربه ای با حدود ۸۰۰ هزار سرمایه گذار فرهنگی است که برای تامین هرچه بیشتر رفاه و ارتقای وضعیت معیشتی فرهنگیان کشور در سال ۷۳ تاسیس شده است. کارکنان وزارت آموزش و پرورش که عضویت در صندوق ذخیره فرهنگیان را پذیرفته اند و یا خواهند پذیرفت، باید ماهانه درصدی از حقوق و مزایای خود را تا پنج درصد به حساب صندوق واریز کنند و دولت نیز موظف است همه ساله معادل سهم واریزی اعضا، به صندوق ذخیره فرهنگیان پرداخت کند.

صندوق ذخیره فرهنگیان بر اساس اصلی به نام "هسته کوچک و شبکه بزرگ" اداره می شود، یعنی اعضای پرشمار صندوق به عنوان سرمایه گذار و صاحبان اصلی این موسسه، دخالت مستقیم و یا غیر مستقیم در تعیین مدیران و گردانندگان صندوق و فرآیند فعالیتها و حتی نظارتی بر کار هیات مدیره ندارند.

مخالفت وزارت کشور با ادامه فعالیت کانون صنفی معلمان

به گزارش ایسنا رییس اداره تشکلهای صنفی و تخصصی دفتر سیاسی وزارت کشور در روز سه شنبه ۴ تیر گفت: کمیسیون ماده ۱۰ احزاب با تمدید پروانه کانون صنفی معلمان موافقت نکرده است و این تشکل با عنوان کانون صنفی معلمان اجازه فعالیت ندارد.

سید میثم بصام تبار افزود: کمیسیون ماده ۱۰ احزاب می تواند با تمدید پروانه یک تشکل موافقت نکند و در این مورد نیز بنا به ملاحظاتی این تصمیم را گرفته است.

تعدادی از اعضای کانون صنفی معلمان پس از حوادث انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ بازداشت شده و در زندان به سر می برند. کانون صنفی معلمان ایران در سال ۱۳۷۸ تاسیس شد.

نامه سرگشاده فرهنگیان کشور به آملی لاریجانی

"ملی مذهبی" -

روز شنبه اول تیر شورای مرکزی کانونهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور در نامه ای سرگشاده به رییس قوه قضاییه از تداوم سیاستهای امنیتی علیه معلمان کشور در چند سال اخیر انتقاد کرده و خواستار پایان دادن به این رویکرد شد. به گزارش سایت ملی مذهبی، این تشکل صنفی از صادق لاریجانی خواسته است یا دستور بازداشت و حبس هزاران معلم معترض را نیز صادر نماید و یا همکاران بی گناه آنها همچون رسول بدایعی، محمود باقری، محمد داوری، عبدالله مومنی، هاشم خواستار، محمود بهشتی، اکبر باغانی، اسماعیل عبدی و ... را آزاد کند.

این تشکل در نامه خود با اشاره به زندانی بودن تعدادی از معلمان، به شعارهای انتخاباتی کاندیداهای ریاست جمهوری اشاره کرده است و تاکید کرده این معلمان به خاطر همین شعارها هم اکنون در زندان به سر می برند.

جان معلم بازنشسته زندانی، محمد امین آگوشی در معرض خطر جدی قرار دارد

به گزارش فعالان حقوق بشر و دمکراسی در ایران، زندانی سیاسی، معلم بازنشسته، محمد امین آگوشی در اعتراض به ادامه بازداشت غیر قانونی اش و عدم درمان، اقدام به گچ گرفتن سر و صورت خود نمود و بدین طریق دست به اعتصاب غذا زد.

صبح روز دوشنبه ۱۰ تیر، به محمد امین آگوشی که از طریق مکاتبه با مسوولان رژیم ولی فقیه در سطوح مختلف مانند دفتر آخوند علی خامنه ای، قوه قضاییه، دادستان نظامی کشور، دادستان نظامی ارومیه خواستار پیگیری وضعیت خود شده بود، اعلام گردید که به هیچکدام از خواسته های وی رسیدگی نخواهد شد.

معلم بازنشسته زندانی در اعتراض به حق کشی و سوق دادن وی بسوی مرگ تدریجی در زندان مرکزی زاهدان، اقدام به گچ گرفتن سر و صورت خویش به صورت کامل نمود و از این طریق دست به اعتصاب غذا زد. دادستان زاهدان، محمد مرزیه که از جنایتکاران علیه بشریت می باشد، به جای رسیدگی به خواسته های این زندانی، دستور انتقال او را به سلول انفرادی بند قرنطینه صادر کرد. سلولهای انفرادی بند قرنطینه، محل شکنجه زندانیان سیاسی و عادی زندان زاهدان می باشد.

این معلم بازنشسته زندانی از ناراحتی شدید آسم و سایر ناراحتیهای جسمی که طی دوران بازداشت در بازداشتگاه مخفی رمضان وابسته به اطلاعات سپاه پاسداران در اثر وحشیانه ترین شکنجه ها به آنها دچار شده است، رنج می برد.

گزارشها حاکی از آن است که در چند روز گذشته وضعیت جسمی وی به غایت حاد شده است، به طوری که زندانبانان ناچار شدند چندین بار در سلولش وی را مورد معاینه قرار دهند.

وضعیت و شرایط او در ابهام است و همبندیان وی و خانواده اش از وضعیت او کاملاً بی خبرند .

۶ دانش آموز در آبهای خزر غرق شدند



مسوول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای پزشکی مازندران با اشاره به غرق شدن ۱۰ دانش آموز در آبهای دریای خزر، از فوت ۶ نفر آنها خبر داد و گفت: دو نفر از فوت شدگان، برادر بودند.

به گزارش روز سه شنبه ۱۱ تیر خبرگزاری مهر، مهین تفضلی اظهار داشت: این دانش آموزان که در آبهای سواحل شهرستان نور غرق شدند، از بچه هایی بودند که در قالب یک اردوی

۸۰ نفره دانش آموزی از کرج به مازندران آمده بودند.

وی با اعلام اینکه اجساد ۳ نفر از ۶ نفر فوت شده هنوز پیدا نشده است، گفت: ۴ نفر از غرق شدگان نیز توسط نیروهای اورژانس نجات یافته و به بیمارستان منتقل شده اند.

تفضلی در ارتباط با وضعیت ۴ دانش آموز نجات یافته از غرق شدگی افزود: یک نفر آنها در بخش آی سی یو، دو نفر در سی سی یو و یک نفر در بخش داخلی بستری است.

مسوول روابط عمومی مرکز اورژانس مازندران با تاکید بر ادامه جستجو برای یافتن اجساد سه نفر دیگر از غرق شدگان تصریح کرد: این دانش آموزان در مقطع دبیرستان بوده و بین ۱۶ تا ۱۸ ساله بوده اند.

وی همچنین اسامی ۶ نفر از فوت شدگان را به این ترتیب اعلام کرد: میلاد شیرزاد، رحیم زمانی، حسن و حسین رنجبرآزاد، رضا پاشایی و محمد قربانی

شهریه مدارس غیرانتفاعی گران می شود

به گزارش ایسنا، حسین شربت دار، مدیرکل مدارس غیرانتفاعی وزارت آموزش و پرورش، در کرمانشاه در روز پنجشنبه ۱۳ تیر جمع خبرنگاران اظهار داشت: بر اساس قانون، شهریه تمامی مدارس غیردولتی به میزان ۱۵ درصد شهریه مصوب سال قبل افزایش خواهد یافت.

به گفته وی بنا به صلاحدید، همچنین پنج درصد بابت هوشمند سازی مدارس و پنج درصد نیز بابت کیفیت بخشی مدارس به میزان شهریه اضافه خواهد شد. وی تاکید کرد: در مجموع امسال شهریه مدارس غیردولتی بین ۱۰ تا ۲۵ درصد افزایش می یابد.

شربت دار گفت: همه ساله میزان شهریه به والدین اعلام می شود و هرگونه شکایت والدین قابل پیگیری است. وی افزود: بیش از ۱۰ هزار مدرسه غیردولتی در کشور وجود دارد که بیش از یک میلیون دانش آموز در آنها تحصیل می کنند.

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

زنان مبارز سوری با بازداشت و شکنجه روبرو هستند

شبکه خبری زنان، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۳ - دیده بان حقوق بشر با ارایه گزارشهایی مستند اعلام می دارد، زنان سوری که در شورش علیه دولت بشار اسد شرکت می ورزند، بعد از بازداشت در شرایط بسیار وحشتناکی قرار می گیرند. در روزهای نخستین قیام، نیروی سرکوبی به سوی زنان سوری معترض شلیک می کرد. برخی از زنان به خاطر تشکیل حلقه انسانی به دور معترضان مرد جهت جلوگیری از اصابت گلوله به آنها، به قتل رسیده اند.

بشار اسد به موازات ژرفش و تداوم قیام و تغییر تاکتیک مبارزه از فاز مسالمت آمیز به مسلحانه، میزان سرکوبگری وحشیانه را افزایش داده است. بر اساس گزارش مزبور، بسیاری از زنانی که به دلیل مشارکت خود و یا یکی از اعضای خانواده در اعتراضها بازداشت شده اند، تحت شکنجه های گوناگون از جمله شوک الکتریکی، قطع عضو بدن و تجاوز جنسی قرار گرفته اند. برخی از آنان حتی در زندانها و بازداشتگاهها به قتل رسیده اند. به دلیل وضعیت بحرانی کشور، آمار دقیقی از تعداد بازداشت شدگان و مخالفانی که در زندانها به قتل رسیده اند، در دست نیست.

نوزادان دختر در کشور هند اجازه یک روز زندگی هم ندارند

شبکه خبری زنان، ۱۲ ژوئن ۲۰۱۳ - پیشرفت تکنیک سونوگرافی و کاهش هزینه انجام آن سبب شده که زنان مناطق فقیر هند نیز به انجام آن مبادرت ورزند. بر اساس فرهنگ رایج در هندوستان، خانواده دختر هنگام ازدواج مجبور به پرداخت جهیزیه هنگفت به همسر دختر است. آنها در برخی موارد سرمایه لازم جهت تهیه جهیزیه را قرض می کنند. از همین رو زنان باردار هندی علاقه دارند تا از جنسیت نوزاد خود، پیش از زایمان مطلع شده و با انجام عمل کورتاژ به زندگی نوزاد دختر خاتمه دهند.

شایان ذکر است که عمل کورتاژ توسط خود زنان با شیوه ای غیر تخصصی، غیر بهداشتی و خطرناک صورت می پذیرد. در مواردی بعد از زایمان، نوزاد دختر را به گونه ای که برای پزشک قانونی شک برانگیز نباشد، به قتل می رسانند. برخی از این مادران، زانی هستند که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و یا از سوی همسرانشان همواره مورد آزار و اذیت جنسی و فیزیکی قرار داشته اند. اینگونه مادران به خوبی می دانند که اگر فرزندان دختر خود را به یتیم خانه ها بسپارند، به سرعت گرفتار مافیای مواد مخدر یا بهره کشی جنسی به بهانه فرزندخواندگی و مراقبت از آنها می شوند. بدین ترتیب، کشتن نوزادان دختر را که آینده ای وحشتناک تر از روزگار مادر در پیش خواهد داشت را ترجیح می دهند.

فاجعه قتل نوزادان دختر، نخستین بار در سال ۱۹۸۴ توجه یونیسف را به خود جلب کرد که در گزارشی اعلام داشت از هشت هزار کورتاژی که در مومبای (بمبئی) صورت پذیرفته، ۷۹۹۹ مورد آن، نوزاد دختر بوده است. "سیتل تایمز" در سال ۲۰۱۱ بر اساس گزارش دفتر جنایت‌های ملی ابراز داشت که بیشتر مادرانی که نوزادان دختر خود را به قتل می رسانند، مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند.

کشور هند با وجود پیشرفت اقتصادی و اختراعات علمی و نیز به مثابه کشوری که یکی از دموکرات ترین کشورهای دنیا به حساب می آید، از نظر تجاوز جنسی علیه زنان کشور و حتی زنان توریست در شرایط دهشتناکی قرار دارد. دموکراسی و پیشرفت اقتصادی کشور هند از آن رو که نه تنها ره به کاهش معضلات اجتماعی مانند فقر و نابرابری جنسیتی نبرده، بلکه با تشدید روزافزون آن روبروست، باید مورد توجه قرار گیرد.

شرایط بغرنج زنان کارگر صنعت نساجی زابل

خبرگزاری ایلنا، ۴ تیر ۱۳۹۲ - مسوول کانون شوراهای اسلامی کار زابل نقض آشکار حقوق ابتدائی کارگران زن در کارخانه ریسندگی و بافندگی زابل را خیر داد. وی اعلام کرد که در این واحد تولیدی، کارفرما به غیر از چند مرد، در مجموع زنان را استخدام کرده و به آنها دستمزدی به مراتب کمتر از حداقل دستمزد قانونی، برابر با ۱۸۰ هزار تومان در ماه، می پردازد. براساس این گزارش، زنان کارگر بیمه نبوده و کارفرما در مقاطع گوناگون اقدام به اخراج کارگران زن می کند. این در حالی است که واحد نساجی مزبور تنها کارگاه بزرگ و فعال در منطقه زابل است و از شش سال پیش به بخش خصوصی سپرده شده و از آن زمان کارفرمای آن به نقض آشکار حقوق کارگران می پردازد.

در شرایطی که حداقل حقوق قانونی کارگر ساده ۴۸۷ هزار تومان است، دریافتی کارگران شاغل در این کارخانه حدود ۱۸۰ هزار تومان می باشد. با وجود آنکه تاکنون چندین بار در مورد نقض حقوق کارگران این کارخانه اطلاع رسانی شده، اما به ظاهر تاکنون بازرسان کار و تامین اجتماعی قادر به اثبات تخلف کارفرما نشده اند!

مسوول کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان سیستان و بلوچستان ابراز می دارد، کارفرمای این واحد تولیدی برای فرار از تعهدات قانونی خود، زنان را با تمهیدات پنهانی و غیرعادلانه استخدام می کند و به طور مداوم کارگران زنی که پنهانی به کار گماشته می شوند، در حال اخراج و تغییر هستند.

خشونت علیه زنان در کشور افغانستان، ۲۸ درصد افزایش یافته است

شبکه خبری زنان، ۲۵ می ۲۰۱۳ - "حوریه مصدق"، محقق سازمان عفو بین الملل در مورد افغانستان ابراز می دارد که تنها در هفت ماه آخر سال ۲۰۱۲ بیشتر از چهار هزار مورد خشونت علیه زنان در افغانستان ثبت شده که نسبت به مدت مشابه سال قبل، ۲۸ درصد افزایش را نشان می دهد. وی اضافه می کند که گزارش مزبور تبعیض و بدرفتاری توسط گروههای مسلح، شورشیان، طالبان و همچنان تخطی توسط نیروهای مسلح حکومت و نظامیان خارجی را مشخص ساخته

است. این گزارش در بخش آزادی بیان، نگرانیهای کارکنان و خبرنگاران بخش رسانه ها در سراسر افغانستان را نیز بیان کرده است.

شورای مجلس کشورهای عربی بر تکمیل حق طلاق زنان اصرار می ورزد

خبرگزاری دنیای عرب، ۱۰ ژوئیه ۲۰۱۳ - بحث پیرامون حقوق زنان به سطح بالاتری در جامعه عربستان سعودی رسیده است. مجلس عربستان سعودی، در سالهای اخیر آنچنان توسط فعالان و مدافعان حقوق زنان به طور مرتب به چالش گرفته شده که اکنون موضوعاتی مانند حق طلاق در اولویتهای آن گرفته است. قدر مسلم، برخورد با موانع فراروی تثبیت حقوق زنان مستلزم اتخاذ تاکتیکهای نوین است.

"ایسا القیظ"، یکی از قضات شورای عالی مجلس کشورهای عربی و پرفسور حقوق مسایل تطبیقی فقه، خواستار تهیه و تصویب قانونی ست که حق طلاق زنان را تکمیل کند. وی ابراز می دارد که همسران زنانی که درخواست طلاق داده اند، از قانون طلاق کنونی جهت عدم پرداخت نفقه به زنان سوواستفاده می کنند. بدین ترتیب، قانون باید به گونه ای تنظیم شود که زمان مشخصی برای ارایه مدارک جهت ثبت طلاق به دادگاه تعیین کند. افزون بر این، مردانی که از ارایه به موقع مدارک لازم جهت انجام مراتب قانونی طلاق سر باز می زنند، می بایست به پرداخت جریمه مجبور گردند. پروسه طلاق و ثبت آن باید سریع تر اجرایی شده و یک نسخه از اصل آن به زنان سپرده شود. شورای عالی مجلس کشورهای عربی تصمیم مزبور را تصویب کرده است. این اقدام سبب شادمانی بسیاری از زنان کشورهای عربی، به ویژه در عربستان سعودی و فعالان حقوق بشر و زنان شده است. در حال حاضر زنان بسیاری در کشور عربستان سعودی بسر می برند که باوجود اینکه از درخواست جدایی آنها سالها می گذرد، هنوز مدرکی مبنی بر طلاق از همسرانشان در دست ندارند. طرح یاد شده که در شورای عالی کشورهای عربی به تصویب رسیده، منتظر تایید متولی دو مسجد مقدس، ملک عبدالله، پادشاه عربستان سعودی است.

کارگران زن در کردستان از ابتدایی ترین حقوق قانونی محرومند

خبرگزاری ایلنا، ۲۷ خرداد ۱۳۹۲ - به گزارش مسوول شوراهای اسلامی رژیم در کردستان، بیشتر کارگرانی که در کارگاه های این استان مشغول به کارند، از ابتدایی ترین حقوق قانونی کارگری محرومند. سید شاکر ابراهیمی اضافه می کند که بیشتر زنانی که در استان کردستان به عنوان کارگر کار می کنند، زنان سرپرست خانوار یا بدون سرپرستی هستند که تنها محل درآمد آنها همین دستمزد است. وی اضافه می کند که وضعیت کارگران زن به مراتب از کارگران مرد بدتر است. وی می گوید، به منظور کوتاه کردن دست زنان از مشارکت در فعالیتهای اقتصادی که ثقل ایدیولوژی زن ستیز ارتجاع حاکم است، زنان مطابق قانون کار، از انجام مشاغل طاقت فرسا و خطرناک معاف هستند. لیکن به دلیل اوضاع نامناسب اقتصادی، کارگران زن در کردستان چه در کارگاههای زنانه و چه در محیط های مردانه مجبور به قبول هر کاری هستند. در واحدهای تولیدی این استان شرایط کار برای کارگران زن به حدی طاقت فرساست که حتی ملزم به چشم پوشی از حقوق مادرانه خود در ایام بارداری، زایمان و شیردهی می شوند.

در واحدهای تولیدی مختلف این استان، کارگران زن و مرد روزانه ۱۰ تا ۱۴ ساعت کار می کنند، اما در بهترین حالت دریافتی آنها بر مبنای هشت ساعت کار روزانه پرداخت می شود.

این کارگران در بهترین حالت با ارفاق و منت کارفرما درآمدی بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان دارند. کارگران مزبور بر اساس تسویه حسابی که پیشاپیش بطور سفید امضا در اختیار کارفرما گذاشته اند، حق طرح هیچگونه مطالبه و ادعایی ندارند.

زنان در قیام علیه دولت ترکیه

شبکه خبری زنان، اول ژوئیه ۲۰۱۳ - از دلایل مشارکت انبوه زنان ترکیه در قیام علیه دولت اردوغان، هراس زنان از تشدید اعمال تبعیض جنسیتی است. دولت ترکیه، زنان را به داشتن فرزند بیشتر و ارج گذاری به کار خانگی تشویق می کند، در حالیکه سهم زنان در نیروی کار ترکیه از ۳.۲ میلیون در فوریه ۲۰۰۸ به ۴.۸ میلیون نفر در فوریه ۲۰۱۳ افزایش یافته است. دولت ترکیه در رابطه با کورتاژ و عمل سزارین موضعی بسیار ارتجاعی اتخاذ کرده و کورتاژ را "قتل عمد" و سزارین را اقدامی در راستای "نازا کردن زنان" معرفی کرده است. در همین رابطه بیش از ۵۰۰۰ پزشک متخصص زنان و زایمان با تشکیل گروهی از طریق رسانه های کشور به موضع گیریهای دولت اعتراض کرده اند.

اعمال خشونت علیه زنان نیز چهره وحشتناکی به خود گرفته که از موخس ترین آن تجاوز چهار پلیس به دختری شانزده ساله بود. دادگاه ترکیه هر چهار پلیس متهم به تجاوز جنسی را تبریه و آزاد کرد. طی سه ماه اول سال ۲۰۱۳، ۴۷ تن به دلیل اعمال خشونت خانگی در کشور ترکیه جان خود را از دست داده و ۳۸ زن مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند.

خودسوزی تنها راه گریز فراروی زنان کردستان عراق

بی بی سی، ۱ ژوئن ۲۰۱۳ - بر اساس گزارش سازمان ملل، زنان عراقی جزو اقشاری هستند که بیشترین صدمه را از بحرانهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متحمل می شوند. در این روند، به گزارش پزشکان عراقی، خودسوزی تنها راه گریز فراروی زنان جهت فرار از مشقتها و مصیبتهاست. این در حالیست که شرایط زندگی در کردستان عراق نسبت به مناطق دیگر کشور عراق بهتر است.

شرایط دشوار زندگی زنان دستفروش خارطوم

سودان تریبون، ۹ ژوئیه ۲۰۱۳ - درآمد زنان دستفروش که در خارطوم، پایتخت سودان، برای امرار معاش راهی به جز فروش مواد غذایی در خیابانها ندارند، باوجود دوازده ساعت کار طاقت فرسا، برابر با هفت تا نه دلار آمریکا در روز می باشد؛ درآمدی که به هیچ وجه تامین کننده نیازهای اولیه آنان نیست.

فقر مفرط تنها مشکل زنان دستفروش خارطوم که به "زنان چای فروش" نیز معروفند، نبوده بلکه در جامعه مردسالاری که کار زنان بی ارزش و اغلب شرم آور به حساب می آید، به سادگی آماج آزار و اذیت فیزیکی و جنسی قرار می گیرند. برخی از آنان زنان مهاجری هستند که از مناطقی مانند دارفور فرار کرده اند، برخی دیگر از ازدواجهای اجباری گریخته اند یا به دلیل وضعیت خردکننده معیشتی برای تامین نیازهای خانواده به دستفروشی در خیابانها روی آورده اند. فعالان حقوق زنان تلاش می کنند با برگزاری کلاسهای چگونگی مقابله با متجاوزان و محافظت از خود را به آنان بیاموزند. بهبود وضعیت زنان دستفروش از آن رو که اولیای امور سودان کوچکترین توجه ای به شرایط غیرانسانی آنها به مثابه قربانیان فقر و بحران ساختار اقتصادی ندارند، بسیار دشوار به نظر می رسد.

زنان تن فروش و قانون مهاجرتی آلمان

خبرگزاری آلمان، ۲۶ می ۲۰۱۳ - سازمانهای مدافع حقوق زنان اعلام می دارند که بیش از ده هزار زن در کشور آلمان به اجبار از طریق تن فروشی روزگار می گذرانند که تنها بخش اندکی از آنها تصمیم به فرار می گیرند، زیرا در این صورت، بر اساس قانون مهاجرت آلمان به کشور خود بازگردانده می شوند. این امر، بهره کشی جنسی را در جامعه آلمان نهادینه می سازد.

برپایه این گزارش، قربانیان مذکور به زبان آلمانی آشنایی نداشته و به آنان اجازه خروج از محل سکونت شان داده نمی شود. بر اساس گفتگو با زانی که فرار کرده اند، بسیاری از آنان تنها یک یا دو بار در سال شانس خارج شدن از محل اقامت خود را یافته اند که در اکثر مواقع جهت رفتن به محل مسکونی خریداران سرویس جنسی و یا فاحشه خانه ها بوده است. به موجب گزارش اعضای سازمان مدافع حقوق زنان موسوم به "سولودی"، دختران کشورهای آفریقایی با تلقین خرافه "جادوی سیاه- زوزو" که قدمتی دیرینه در فرهنگ آفریقا دارد، توسط قاچاقچیان ملزم به پرداخت تحمیلی ۴۰ تا ۶۰ هزار یورو هزینه می شوند که در صورت عدم پرداخت و یا فرار، شیطان سیاه یکی از اعضای خانواده آنان را خواهد کشت.



دختران جوان که قادر به پرداخت این هزینه نیستند، مجبور به اجرای دستورات قاچاقچی و تداوم تن فروشی می شوند.

"سولودی" همچنین گزارش می کند که سالانه بیش از ششصد تا هشتصد زن جوان قربانی مافیای قاچاق انسان و

بهره کشی جنسی به پلیس آلمان مراجعه می کنند که این آمار تنها بخش اندکی از فاجعه را نمایان می سازد. بسیاری از آنان به طور غیرقانونی توسط قاچاقچیان با وعده دستیابی به زندگی بهتر از اوکراین و آفریقا، به ویژه نیجریه، به کشور آلمان آورده شده و به سرعت پاسپورت شان توسط قاچاقچیان ضبط شده و سپس با تهدید، زور و خشونت وادار به تن فروشی می شوند. در صورتیکه یکی از قربانیان موفق به فرار شود، توسط دولت آلمان به کشورش بازگردانده شده تا به زندگی فلاکت باری که از آن گریخته، ادامه دهد. بر اساس قوانین آلمان، اگر قربانی حاضر به شهادت علیه قاچاقچی خود شود، مجاز است تنها تا خاتمه دادگاه در کشور آلمان بماند و پس از آن به کشور خود بازگردانده خواهند شد.

فعالان و مدافعان حقوق زنان ابراز می دارند که دولت آلمان از یکسو با اخراج قربانیان مانع بزرگ تری بر سر راه رهایی از زندگی فلاکت بارشان قرار می دهد و از دیگر سو، دستگیری قاچاقچیان را دشوارتر می سازد. قربانیان، زبان آلمانی نمی دانند و از بیماریهای روحی - روانی رنج می برند. دادن مجوز اقامت نامحدود در آلمان به آنها می تواند رهگشای مقابله جدی با شبکه مافیای قاچاق انسان و بهره کشی جنسی شود.

اتحاد مشترک اروپا از کشورهای عضو می خواهد تا از قربانیان مافیای قاچاق انسان دفاع کنند و مجرمان را تحت پیگرد قانونی قرار دهند که دولت آلمان از اجرای درخواستهای اتحاد مشترک اروپا سر باز زده و تاکنون شش بار اجرای درخواست مذکور از سوی دولت آلمان، رد شده است.

با اصلاح قانون مهاجرتی ایتالیا مبنی بر صدور اقامت دائم برای قربانیان مافیای قاچاق انسان و تشدید فرایند دستگیری قاچاقچیان به یاری قربانیان، عرصه فعالیت بر تبهکاران در ایتالیا تنگ شده و آنها کشور آلمان را برای فعالیتهای غیر انسانی خود برگزیده اند. فعالان و مدافعان حقوق زنان تلاش می کنند تا دولت آلمان را متقاعد سازند تا به قربانیان شبکه های مافیای قاچاق انسان و بهره کشی جنسی، اجازه اقامت دائم بدهد.

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

گفتار روز:

- مارکسیسم را برای پرحرفیه‌های روشنفکرانه و یا کنترل ترافیک حرکت انقلابیون در دنیا نیاموختیم، ما مارکسیسم را برای تغییر دنیا، برای انقلاب در قسمت کوچکی از این دنیا یعنی ترکیه آموختیم (رفیق ماهیر چایان، مارکسیست لنینیست، از رهبران اصلی جنبش کمونیستی ترکیه بود که در هنگام درگیری با ارتش فاشیست ترکیه جانس را از دست داد)

- من می میرم... اما مرگ من، مرگ زندگی ام نیست. مرگ من انتقامی است که زندگی من از جعل کننده ی نام خودش می گیرد، من می میرم تا زندگی زیر دست و پای مرگ نمیرد، مرگ من عصیان یک زندگیست که نمی خواهد بمیرد (کارو دردیان (۱۶ آبان ۱۳۰۴ همدان - ۲۷ تیر ۱۳۸۶ کالیفرنیا، نویسنده و شاعر ارمنی تبار ایرانی. سروده های کارو انتقادی و بازتاب حقایق تلخ زندگی انسان است؛ مسایلی از جمله فقر، ظلم و جنایت. کارو برادر ویگن، خواننده سرشناس ایرانی بود)

سینما

الیور ستون: سنودن قهرمان آمریکاییها است

"الیور ستون"، کارگردان سرشناس و برنده اسکار که در حال حاضر برای دریافت جایزه یک عمر دستاورد هنری از جشنواره فیلم "کارلووی واری" در جمهوری چک به سر می برد، از اقدام "ادوارد سنودن" در افشای اطلاعات محرمانه سازمان "ان.اس.ای" آمریکا دفاع کرد و وی را یک قهرمان خواند.

وی به خبرنگاران گفت: "این مایه شرمساری است که اوپاما بیش از آنکه به دنبال ایجاد تغییراتی در شیوه های غیرقانونی شوند به سبک جرج بوش باشد، دنبال برگرداندن سنودن و محاکمه وی است."

سنودن ۳۰ ساله که به افشای اطلاعات محرمانه دولت آمریکا درباره جاسوسی و دسترسی غیرقانونی به اطلاعات میلیونها آمریکایی متهم است، از مدتی قبل در بخش ترانزیت فرودگاه مسکو پناه گرفته و از ۲۰ کشور تقاضای پناهندگی کرده که تاکنون تمامی آنها بی نتیجه بوده است.

الیور ستون، کارگردان، نویسنده و تهیه کننده ضدجنگ است که به واسطه کارگردانی سری فیلمهایی درباره جنگ ویتنام به شهرت رسید و تا کنون دوبار موفق به دریافت جایزه اسکار شده است.

جعفر پناهی عضو آکادمی اسکار شد

آکادمی علوم و هنرهای تصاویر متحرک (اسکار) با دعوت از ۲۷۶ عضو جدید، گروه داوری خود را گسترش داد و جعفر پناهی را نیز برای عضویت و حضور به فهرست اعضایش اضافه کرد.

افزون بر جعفر پناهی که از ایران در بخش کارگردانان دعوت شده است، ۱۴ کارگردان دیگر نیز به این منظور دعوت شده اند که "کاترین هاردویک"، کارگردان "گرگ و میش"، "تاد فیلیپس"، کارگردان "هنگ اوور"، "تیم استوری"، کارگردان "چهار شگفت انگیز" و "استیو مک کوین"، کارگردان "شرم" و "گرسنه" از جمله آنها هستند.

مخملباف مورد غضب شمقدری

جواد شمقدری، رییس سازمان سینمایی جمهوری اسلامی در نامه‌ای به مدیرعامل موزه سینما دستور برداشتن آثار مخملباف از موزه سینما را صادر کرد.

وی در توجیه اقدام خود گفت: "مخملباف با حمایت و پول نهادهای انقلابی و سازمانهای دولت ایران ده فیلم اول خود را ساخته است تا مشق سینمایی کند، امروز در آغوش غاصبان قدس و صهیونیسم جنایتکار به تجلیل از آنان و یک آیین ضاله که ساخته و پرداخته انگلیس است، تمسک می جوید و درس صلح و دینداری می دهد. جا دارد در ماهی که جمعه آخر آن با فریادهای بلند و تظاهرات میلیونی ملت بزرگ اسلام علیه صهیونیستها رقم می خورد، ساحت موزه سینمای ایران از لوث یادگاریهای این فیلمساز تا زمانی که در این وادی ضلالت می لغزد، پاک و منزه گردد."

معاون ناجا فیلم سفارش داد

پاسدار سعید منتظرالمهدی، معاون اجتماعی نیروی انتظامی رژیم از برگزاری نشست مشترک سینماگران و ناجا خبر داد. وی تعیین تکلیف کردن و دستورالعمل دادن به سینماگران را گفتگوی دوستانه که همواره برگزار می شود، خواند. وی در ادامه حرف اصلی را اینگونه به زبان آورد که "تصویر پلیس در فیلمها باید القا کننده احساس امنیت در مردم باشد" و سفارش داد: "تصویر مناسب از پلیس اجتماعی که پلیسی مقتدر، هوشمند، زیرک و پیچیده و در عین حال اخلاق مدار، دیندار و دانش بنیان و در کل یک کاراکتر کاریزماتیک، مدنظر ماست."

فراخوان برای شرکت در دوره جدید جشنواره بین المللی سینمای تبعید

یازدهمین جشنواره بین المللی سینمای تبعید ۷-۱ نوامبر ۲۰۱۳ در گوتنبرگ، سوئد برگزار می شود. سینمای تبعید در فراخوانی برای تدارک برگزاری یازدهمین دوره جشنواره از سینماگران و تهیه کنندگان علاقمند خواسته است تا پرسشنامه شرکت در جشنواره را به همراه یک نسخه DVD از فیلمهایشان به آدرس پستی جشنواره بفرستند.

آدرس سایت جشنواره

www.exilefilmfestival.com

آدرس ایمیل

info@exilefilmfestival.com

آخرین مهلت تقاضای شرکت در جشنواره، پانزدهم اوت (آگوست) ۲۰۱۳ تعیین شده است.

جشنواره بین المللی سینمای تبعید، یک جشنواره غیر مسابقه ای است و در جهت تقویت تفاهم گروه های قومی، همزیستی آنها و توسعه چندگانگی فرهنگی در کشورهای پناهنده پذیر تلاش می کند.



کتاب

افشای نام مستعار جی کی رولینگ در رمان تازه اش

"جی کی رولینگ"، نویسنده مجموعه داستانهای "هری پاتر"، به تازگی "آوای فاخته"، نخستین رمان جنایی خود را با نام مستعار

"رابرت گالبریت" منتشر کرد. این کتاب پس از اعلام نام واقعی نویسنده، در صدر جدول پرفروش ترین کتابهای بریتانیا قرار گرفته است.

خانم رولینگ گفته است که متوجه شده این خبر از شرکت حقوقی "راسلز" درز کرده؛ شرکتی که او انتظار داشته "اطلاعات در آنجا کاملاً محرمانه بماند".



موسیقی

آغاز سی و چهارمین جشنواره جاز مونترال

سه هزار هنرمند با صد و پنجاه کنسرت داخل سالن و ده سکوی هوای آزاد با سیصد کنسرت رایگان، مجموع برنامه های جشنواره جهانی جاز مونترال امسال را طی ده روز رقم می زنند.

در مراسم گشایش جشنواره امسال، "لسلی فایست"، ستاره موسیقی ایندی کانادایی، در هوایی بارانی هنرنمایی کرد. برنامه با حضور جمعیتی در حدود

صدهزار نفر تا پاسی از شب در زیر باران ادامه یافت. برنامه های این جشنواره از ساعت یازده صبح تا ۳ بامداد ادامه دارد که برنامه صبح به کودکان اختصاص داده شده بود. در این جشنواره همچنین جایزه بزرگ "مایلز دیویس" به "چارلز لوید"، موسیقی دان و نوازنده صاحب سبک آمریکایی به خاطر یک عمر فعالیت هنری و نفوذ و تأثیرگذاری اش در تاریخ موسیقی و جایزه "الافیتز جرالده" به "هولی کول"، خواننده جاز و پاپ کانادا، اهدا شد.

از برنامه های شاخص جشنواره امسال باید از کنسرتهای داخل سالن دوئو و تریوی "چارلز لوید"، نوازنده برجسته هفتاد و پنج ساله ساکسیفون و فلوت همراه با "جیسون موران" و "بیل فریسل" نام برد.

آثار تاریخی



اعتراض مردم و دانشجویان به تخریب بافت

تاریخی یزد

پس از تخریب تعدادی از منازل قدیمی بافت تاریخی شهر یزد در "طرح توسعه امامزاده جعفر" در محله بعثت این شهر، گروهی از مردم و دانشجویان یزد نسبت به این اقدام اعتراض کرده و خواهان توقف هرچه سریع تر این تخریبها شدند.

این اعتراض در حالی دوباره تکرار می شود که ۲۹ خرداد سال جاری، تعدادی از ساکنان بافت تاریخی یزد و دانشجویان معماری و مرمت و فعالان میراث فرهنگی در اعتراض به طرح توسعه امامزاده جعفر، جلوی سازمان میراث فرهنگی و فرمانداری تجمع کرده بودند. یزد نخستین شهر خشتی و دومین شهر تاریخی بزرگ جهان بعد از شهر ونیز ایتالیا است.

نمایشگاه عکسهای "دیوارهای شهر من"

"دیوارهای شهر من" نمایشگاه عکاسی ای است که تصویر دیوارهای شهری بی دروپیکر و پرتناقض تهران را به نمایش می گذارد. این نمایشگاه در تیر ماه سال جاری گشایش یافت. عکسها متعلق به عکاسانی با نگاههای مختلف به دیوار شهر است. از شمال تا جنوب تهران و از شرق تا غرب. گفته می شود این عکسها بیانگر آن است که "کل تهران درگیر بین سنت و مدرنیته است". قیمت عکسها هر کدام ۱۰۰ هزار تومان است تا علاقمندان بتوانند مجموعه ای را در کنار هم بخرند و پازلی در کنار هم بچینند.



مشق بابا

ای کاش زنده بود
مداد تراش من
مداد قرمز
هرگز نمی شد کند
ای کاش دفترم
چند برگ دیگر داشت
ای کاش از نو باز

می شد که بنویسم
 اما حقیقت را؛
 بابای من نان داد
 برای نان جان داد
 آن نان، بر چشمم
 جانی منور داد
 با چشم باز خوابید
 بابای من در خاک
 در خون خود بر خاک
 یک خواب زیبا دید
 باغی پر از رستن
 کز خاک رنگینش
 دستان من روید
 من ساقه ای رویان
 از سینه ی بابا
 رستم و می رویم
 تا گل دهم از نور
 نوری ز بیداری
 باران نم ببارد،
 این آسمان مرده
 اما ملالی نیست
 رویان و سرشارم
 چون سیرم از ریشه
 من ریشه ای دارم
 در سینه ی بابا
 از خون سرخ او
 گل می دهم هر روز
 گل می کنم هر دم
 مشتش گره کرده
 نام گل من است
 باید که بشکفد
 تا نان بیاورد
 تا جان دهد از نو
 یک ساقه ی دیگر

در باغ خوابی که
 بابای من می دید
 پاک است دفترش
 فرزند کوچکم
 باید که بنویسد
 آرام و پرشعف
 او مشق اولش
 بابای من نان داد
 بابای او نان داد
 بابایمان خوابید
 دیو سیه جان داد
 در سال قحطی هم
 این ابر باران داد
 بابای بابایم
 جان داد برای نان
 نانی که بابایم
 از آن مرا جان داد
 بابای بابایم
 جان داد و با خورش
 روییدن از نو را
 در باغ سامان داد
 باید که بنویسم
 بی کاغذ و قلم
 حتی بدون دست
 حتی بدون چشم
 این مشق آسان است...
 باید که بنویسم...
 باید دوباره نوشت
 اما حقیقت را...
 باید که بنویسم

"س.خ.صبور -"

میدان تیر

بوی مرگ می دهد،
کوچه پس کوچه های شهر
حد فاصل انقلاب تا آزادی
ترافیک سنگینی ست
چراغ راهنمایی در گیر یک دگردیسی ست
چاره ای نیست
باید از میدان تیر گذشت

"س.خ.صبور"

خواسته های فوری و پایه ای نیروهای کار

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از خواسته های فوری و پایه ای کارگران و مزد بگیران حمایت کرده و همبستگی خود را با جنبش نیروهای کار اعلام می کند.

*حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری برای نیروهای کار یدی و فکری (کارگران صنعتی، کشاورزی، معلمان، پرستاران و کارگران بخش خدمات و ...).

*لغو و رفع هرگونه تبعیض بین زن و مرد در حقوق کار و در تمامی شئون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و پذیرش کنوانسیون جهانی منع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان.

*به رسمیت شناختن حق اعتصاب، تجمع و تظاهرات و آزای بدون حد و مرز اندیشه و بیان و رسانه ها به عنوان حقوق پایه ای نیروهای کار.

*آزادی کلیه زندانیان سیاسی به شمول فعالان کارگری.

*تأمین امنیت شغلی برای همه کارگران، لغو قراردادهای موقت و قراردادهای شرکتی پیمانکاری و سفید امضا و پرداخت فوری دستمزدهای معوقه به طور کامل.

*به رسمیت شناختن حداکثر ۸ ساعت کار در شبانه روز، دو روز تعطیل در هفته و یک ماه مرخصی سالانه با حقوق.

*تعیین حداقل دستمزد با مشارکت نمایندگان واقعی کارگران و تشکلهای مستقل کارگری، متناسب با افزایش نرخ واقعی تورم. محاسبه حداقل حقوق بر اساس تامین نیازهای زندگی شرافتمندانه و انسانی یک خانوار چهار نفره.

*توقف کامل اخراجها و بیکارسازی و ایجاد سیستم بیمه اجتماعی برای تمامی نیروهای کار.

*لغو کامل کار کودکان.

*تامین حقوق بازنشستگان برای زندگی بدون دغدغه اقتصادی.

*تعطیل رسمی و همگانی اول ماه مه و لغو هرگونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم روز جهانی کارگرن.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

"طلوع خونین"

م . وحیدی (م . صبح)

چه پگاهی
از فراز سیاهی!
که وقتی برآمد
عطر سرخش
زمزمه رهایی بود و آوای حیات

دلیم در آینه لغزید
وقتی که خون سیاووشان
بر بال و بال صبح چکید و
رخسار بنفشه های جوان
در اندوه و اشک
فرو نشست

می سراییم و دست می کشم
بر عاطفه باغچه و گل
شاید
که خواب می ببند
پرنده عاشق
که بی قرار
به جانب خورشید می رود

هلا
ساقه های بلند سرو و سپیداران
در رهگذر باد!
قله های پر ترانه سبز و
آواز مرغان جهان
نصیب شما باد!

●
ابر خاموش می گذرد و
این لوح چرکین سکوت
در آوار سهمگین زمان
خاکستر می شود

●
 “آنکه می خندد*
 هنوز
 خبر هولناک را
 نشنیده است “

*برشت

“ زمزمه آبی ها “

م . وحیدی (م . صبح)

عصر است و باد می آید

باد

پرنده رفته است و

ابر پریش بی قرار

در حیاط

اندوه می ریزد

از پشت پنجره

به فصلها می نگرم

غمناکهای زرد پاییز و

پیغامهای ورم کرده دور

حیاط خالیست و من

برای آبیهای صبور

زمزمه می کنم

روزهای رفتن پرنده را می شمارم

با

بادبادکهای رنگین و

کودکیهای به یغما رفته ام

در این غرور نمناک تیره

فراسوی خبرها.....



رژیم مسئول مرگ افشین اسانلو است

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر دوشنبه ۳ تیر

محروم کردن زندانیان سیاسی از دارو و درمان از شیوه های ضد بشری رژیم در سیاهچالهای جمهوری اسلامی است. وادار کردن زندانیان به مرگ تدریجی در زندان و عدم رسیدگی درمانی آنها مترادف به قتل رساندن زندانی است. این گونه کشتن زندانی سیاسی از هزینه کمتری برای رژیم برخوردار است.

افشین اسانلو، فعال کارگری و زندانی سیاسی هنگام دستگیری فردی با سلامت کامل بود. خواهر وی در باره او می گوید: «افشین سالم بود و هیچ ناراحتی قلبی نداشت. ما وقتی خبر را شنیدیم اصلا باورمان نمی شد مگر می شود افشین سکت قلبی کند.»

مدیر کل زندانهای استان تهران در گفتگو با ایسنا دلیل فوت افشین را «سکت قلبی» اعلام کرد. خبر سکت قلبی این زندانی سیاسی با توجه به این که چند ماه به پایان محکومیت اش باقی مانده بود، غیر قابل قبول است. بنا به اظهارات خانواده وی و به دنبال شهادت کارکنان بیمارستان، افشین پیش از انتقال به بیمارستان فوت کرده بود. مسئول مرگ او و زندانیانی که جانشان را در زندان از دست داده اند، تمامی پایوران رژیم و به طور خاص ولی فقیه نظام است. به تمامی پایوران رژیم اشاره می کنم زیرا تمامی کارگزاران رژیم که به چرخ دنده های ماشین سرکوبی رژیم ضد بشری یاری می رسانند، در کشتار و حذف زندانیان سیاسی شریک هستند.

هم اکنون زندانیان دیگری با بیماریهای ناشی از وضعیت غیر انسانی زندان، روبرو هستند. جان بسیاری از این بیماران در خطر جدی است. عدم درمان بیماران یکی از ابزارهای شکنجه و به قتل رساندن زندانیان و جنایت محسوب می شود. این اقدامات ضد انسانی و قتل جنایتکارانه زنده یاد افشین اسانلو به شدت محکوم است. کمیون حقوق بشر سازمان ملل و سازمان جهانی کار باید به این جنایت رسیدگی کنند.

یک تحرک دیپلماتیک برای وخیم کردن شرایط ساکنان لیبرتی و اشرف

منصور امان

فراسوی خبر... آدینه ۲۸ تیر

فشار برای انهدام اپوزیسیون جمهوری اسلامی مُستقر در عراق همچنان ادامه دارد. در حالی که از اقدامات سیاسی و دیپلماتیک مُشخص برای حفاظت از جان ساکنین اردوگاه لیبرتی و تضمین حقوق پایه ای آنها نشانی به چشم نمی خورد، نماینده ویژه سازمان ملل در عراق دست به تحرک تازه ای در این رابطه زده است.

این می توانست یک خبر خوب برای ۳۰۰۰ زن و مردی باشد که در شرایط دُشوار زیستی و زیر بارش خُمپاره و موشک ناچار به زندگی هستند، اگر فعالیت نماینده مزبور علیه آنها و در جهت وخیم تر کردن شرایط فعلی شان به جریان نمی افتاد.

آقای مارتین کوبلر که به دلیل تمدید نشدن دوره ماموریت اش مجبور به ترک عراق شده است، در آخرین گزارش خود به شورای امنیت سازمان ملل، از "نقض حقوق بشر" ساکنان اردوگاه توسط خودشان خبر داده است. وی همچنین به اعضای

شورای امنیت گزارش داده که "برخی ساکنان" به او گفته اند از دسترسی آنها به پزشک و دارو جلوگیری می شود. آقای کوبلر در جای دیگری نیز می گوید که "تعداد قابل توجهی از ساکنان" به او "گزارش" داده اند که به آنها اجازه ترک اردوگاه داده نمی شود.

در صحت و دُرستی موارد تکان دهنده ای که دیپلمات آلمانی از وضعیت ساکنان اردوگاه مزبور گزارش کرده، تردیدی وجود ندارد. حقوق بدیهی و انسانی زنان و مردان این اردوگاه به گونه مُستمر و هدفمند پایمال می شود، آنها در مُحاصره دارویی و خدمات پزشکی هستند و نه تنها از خروج شان از کمپ جلوگیری می گردد، بلکه در مجموع، همچون زندانی با آنها رفتار می شود و هیچ خبرنگار و رسانه عراقی یا خارجی نیز اجازه ورود به زندان آنها و تهیه گزارش از وضعیت شان را ندارد.

نُکته حیرت آور در گزارش آقای کوبلر این است که مسوولیت مُستقیم دولتهای آمریکا و عراق و سازمان ملل در شکل گیری و تداوم این شرایط نادیده گرفته شده و به جای آن، ساکنان اردوگاه مُتهم می شوند که خود مشغول نقض حقوق یکدیگر هستند و به این ترتیب مسوول وضعیت خویشان نیز می باشند.

از سوی دیگر در گزارش نماینده ویژه سازمان ملل اشاره نمی شود که چه فعالیت مُشخصی و با کدام نتیجه برای بهبود شرایط اردوگاه صورت گرفته، چه تضمینهایی برای جلوگیری از تکرار حملات خُمپاره ای و موشکی کسب شده و یا چه پیشرفتی در حل پایدار سرنوشت ساکنان و انتقال آنها به کشورهای امن حاصل گردیده است. اینها بخشی از وظایفی است که نمایندگی مزبور در رابطه با ساکنان کمپ بر عهده دارد و از عمل بدان مُنحرف شده است. از این رو، جای خالی آرایه عملکرد در این باره در گزارش تصادفی نیست، موضوعی برای گزارش وجود ندارد!

نه فقط ادعانامه آقای کوبلر، بلکه عملکرد سازمان ملل در باره ساکنان "اشرف" و "لیبرتی" به گونه فراگیر، حیثیت این نهاد بین المللی را زیر سوال برده است. در حالی که عوامل رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و فاشیستهای عراقی در کمین سازمان مُجاهدین خلق ایران و ساکنان بی دفاع اردوگاه نشسته اند، گزارش مزبور با جوسازی علیه قربانیان، آنها را به اهداف مشروع تبدیل می کند.

این امر فرسنگها از نقش حفاظتی که سازمان ملل در رابطه با زنان و مردان کمپ برای خود تعریف می کند، فاصله دارد. برعکس، بیشتر اینگونه دیده می شود که نهاد مزبور به مثابه ابزاری در خدمت سیاست مُنهدم سازی و حذف بُزرگترین اپوزیسیون سازمانیافته ایرانی ایفای نقش می کند.



پناهندگان ایرانی قربانی سه جانبه

حکومت جمهوری اسلامی

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۲۹ تیر

بیش از سه دهه حکومت جمهوری اسلامی نابسامانیهای فاجعه بار و اسفناکی برای مردم ایران در برداشته است. یک نمونه آن وضعیت صدها هزار ایرانی است که به دلیل نبود آزادی، عدالت و

فشارهای اجتماعی و اقتصادی یا در تبعید زندگی می کنند و یا آواره کشورهایی شده اند که حقوق پناهندگی آنان را به رسمیت نمی شناسند. رفتار بسیاری از کشورهای که ایرانیان بدانجا پناهنده می شوند، آنچنان ناعادلانه و ناقض حقوق بشر است که هموطنان ما را در برابر نقض دوجانبه حقوق شان قرار داده است. به این امر باید رفتار سلیقه ای و بی توجهی سازمان ملل که بنا بر کنوانسیونهای بین المللی بایستی حافظ منافع پناهجویان باشد را نیز باید افزود.

ایرانیان اکنون مانند آوارگان جنگی، در سراسر جهان پراکنده شده و هدف رفتار غیرانسانی قرار می گیرند. به تازگی بار دیگر یک کشتی حامل پناهجویان و این بار در آبهای بین اندونزی و استرالیا در حالی سرنگون می شود که از ساعتها و

حتی روزها پیش، مقامهای این دو کشور از خرابی و احتمال غرق شدن کشتی مطلع بوده و بدون اقدامی با هم در گفتگو بودند.

در تازه ترین رویداد، کوین راد، نخست وزیر استرالیا از سوسیلو بامبانگ یودهویونو، رییس جمهور اندونزی در اقدامی که از قرار معلوم با همدستی جمهوری اسلامی صورت گرفته، خواستار سختگیری و عدم اعطای ویزا به ایرانیان شده است. علت این درخواست را هم قاچاق مواد مخدر اعلام کرده تا سرپوشی بر اقدام غیر قانونی خود بگذارد.

همزمان با این اقدامات، استرالیا با مقامات "پاپوا گینه نو" توافق می کند تا برخی از متقاضیان پناهندگی در استرالیا را به این کشور بفرستد. "پاپوا گینه نو" یکی از فقیرترین کشورهای جهان محسوب می شود و به گفته مقامهای استرالیا، با قرارداد تازه، متقاضیان پناهندگی که غیرقانونی وارد استرالیا می شوند، برای همیشه در "پاپوا گینه نو" اسکان داده خواهند شد. بنا به گفته وزیر امور خارجه استرالیا، از میان ۱۳ هزار متقاضی پناهندگی به استرالیا در سال جاری، اکثر آنها دارای ملیت ایرانی یا سریلانکایی بوده اند.

در سالهای اخیر پناهندگان ایرانی در بدترین وضع در کشورهای مختلف از جمله هند، ترکیه، یونان، هلند و غیره بسر برده اند. اگر چه طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین وظیفه ای که به کمیسیون عالی سازمان ملل در امور پناهندگان توسط مجمع عمومی سازمان ملل محول شده، باید از حقوق پناهندگان بدون هیچگونه تبعیضی حمایت شده و مشکلات آنان برطرف گردد.

تنها یک نمونه که نشاندهنده وضعیت سخت پناهندگان و عدم انجام وظیفه سازمان ملل به تعهدات خود است، وضعیت یوسف خیر خواهی در ترکیه می باشد. این پناهنده پس از سه سال صبر و رنج و تحمل سرانجام اجازه انتقال به کشور سوم را به دست می آورد اما دو سال بعد از صدور اجازه هم انتقال او صورت نمی گیرد. اعتصاب غذای یوسف خیر خواهی در برابر دفتر سازمان ملل و روزها تحصن و فعالیتهای گسترده کمپین وی هنوز تلنگری هم به مقامات مسوول در سازمان ملل نزده است.

تشدید خشونت در سیاهچالهای قرون وسطایی ولی فقیه

زینت میرهاشمی



فراسوی خبر یکشنبه ۳۰ تیر

در حالی که آزادی زندانیان سیاسی یکی از خواسته های فراگیر و گسترده مردم شده، خشونت و وحشیگری در سیاهچالهای رژیم افزایش یافته است. حمله وحشیانه و سازماندهی شده ماموران گارد زندانهای اوین و قزل حصار به زندانیان بی دفاع نشانه ضعف و زبونی رژیم است. دیکتاتورها در برابر ترس از سرنگونی و برای دفاع از خودشان آسان ترین کار را سرکوب زندانیان بی دفاع می بینند.

یورش بیش از ۱۵۰ مزدور رژیم به بند ۳۵۰ زندان اوین و ضرب و

شتم آنان، فشار و آزارهای بی حد در زندانهای تبریز و زاهدان در روزهای اخیر واکنش رژیم در برابر بحران حکومتی است. تعدادی از زندانیان در زندانهای مختلف از بند ۳۵۰ اوین تا زندان تبریز در اعتراض به شرایط غیر انسانی و توهین آمیز در اعتصاب غذا به سر می برند. رژیم با تکیه بر نمایش انتخاباتی و خیال بافی عده ای که تقلا می کنند چهره لطیفی از خشونتگران ارائه دهند، در همین یک ماه و نیم سرکوب و فشار را افزایش داده است.

زندانیان سیاسی قربانیان بی دفاع جنبش مردمی و گرفتار در پنجه های خون آلود دیکتاتوری ولایت فقیه هستند. خشونت بر زندانیان سیاسی خشونت دولتی و سازمانیافته و نقض آشکار حقوق بشر و محکوم است. رفتار وحشیانه رژیم در زندانها

مهمترین نشانه برای اثبات این اندیشه است که این رژیم ذره ای اصلاح شدنی نیست. هر دیکتاتوری در برابر فشار مردمی وقتی مجبور به عقب نشینی شود اولین گام را در آزادی زندانیان سیاسی نشان می دهد. آزادی زندانیان سیاسی خواست عادلانه و فراگیر جنبش ضد دیکتاتوری است که باید هر چه بیشتر فراگیر شده و تبدیل به نیروی مادی برای عملی شدن آن شود.

شهدای فدایی مرداد ماه

رفقا: زین العابدین رشتچی - غلامرضا بانژاد- حسین الهیاری - محمد صفاری آشتیانی - عباس جمشیدی رودباری - داریوش شفائیان - عباسعلی شریفیان - قدرت الله شاهین سخن - فرزاد صیامی - عبدالکریم عبدالله پور - فرامرز شریفی - فرخ سپهری - مهدی فضیلت کلام - مهدی یوسفی - حسن کهل - ابراهیم جلالی - فیروز صدیقی - ونداد ایمانی - گودرز همدانی - جهانبخش پایداری - جمیل اکبری آذر - جمشید پورقاسمی - مرتضی (امیر) فاطمی - محمدرسول عزیزیان - بیژن مجنون - هادی حسین زاده کرمانی - زهرا فرمانبردار- عظیم سرعتی - مسعود جعفرپور- فریدون شافعی - جواد کاشی - یوسف کیشی زاده - احمد زبیرم - سعید میرشکاری - هرمز گرجی بیانی - ابوالقاسم رشوند سرداری، از سال ۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع به دست مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند، یادشان گرامی باد

مادر سعید زینالی:

مسئولان قول داده‌اند پس از ۱۴ سال سرنوشت پسر را به من بگویند



اکرم نقابی، مادر سعید زینالی، می‌گوید مسئولان قوه قضاییه پس از ۱۴ سال به او قول مساعد داده‌اند که با پیگیری سرنوشت سعید زینالی، مادرش را از وضعیت او مطلع کنند.

سعید زینالی از کسانی است که در جریان اعتراضات دانشجویی ۱۸ تیر ۷۸ بازداشت شده بوده است.

اکرم نقابی در گفتگو با بی‌بی‌سی فارسی گفت در دیداری که اخیراً با علیرضا آوایی، رئیس کل دادگستری استان تهران داشته است از او قول مساعد گرفته است که از سرنوشت پسرش اطلاع یابد.

خانم نقابی می‌گوید آقای آوایی به شدت از شنیدن ماجرای سعید زینالی متاثر شده است. او می‌گوید: «بعد از ۱۴ سال امیدوار شدم که یکی صدای مرا می‌شنود.»

به گفته خانم نقابی به رغم اینکه پسرش چند ماه پس از بازداشت با

او تماس تلفنی گرفته مقامهای قوه قضائیه تا مدتی این را که او بازداشت شده بوده نمی پذیرفته اند، اما پس از پیگیریهای سرانجام گفته اند که او بازداشت بوده است.

به خانم نقابی گفته شده که فرزندش دست کم تا سال ۸۱ در زندان اوین بوده است. در ۱۸ تیر ۷۸ پلیس و راستهای تندرو، معروف به لباس شخصی، به کوی دانشگاه تهران و دانشجویانی که به تعطیلی روزنامه سلام معترض بودند حمله کردند.

قتل عزت ابراهیم‌نژاد تنها موردی بود که رسماً پذیرفته شد، هرچند عامل آن شناسایی نشد. به جز آن گزارشهایی تایید نشده از مواردی دیگر در تهران و تبریز هم منتشر شده بود.

خانم نقابی می‌گوید به غیر از او چندین خانواده دیگر نیز پیگیر وضعیت فرزندانشان بوده اند که در ناآرامیهای ۱۸ تیر ۷۸ مفقود شده بودند. او می‌گوید دست کم ۵ خانواده دیگر تا چند سال پیش پیگیر وضعیت فرزندانشان بوده اند که به دلایل نامعلومی دیگر این کار را رها کرده اند.

منبع: بی بی سی - سه شنبه ۱۸ تیر ۱۳۹۲

در سوک درگذشت حسین رضایی



با تاسف و تأثر بسیار آقای حسین رضایی، زندانی سیاسی در دوران دیکتاتوری شاه، در روز شنبه اول تیر در تهران درگذشت.

زنده یاد حسین رضایی، یک مبارز ضد استبداد و ضد استعمار، از رهروان دکتر محمد مصدق و انسانی مهربان و صمیمی بود. وی قبل از دستگیری در سال ۱۳۴۹، دبیر کنفدراسیون دانشجویان ایرانی بود و در همان سال به عنوان مترجم به همراه یکی از وکلای برجسته آلمانی برای شرکت در دادگاه گروه فلسطین به ایران آمد و هنگامی که همراه با وکیل آلمانی عازم آلمان بود، در فرودگاه دستگیر شد. حسین رضایی در بازجوییها بر اصول اعتقادی خود پایدار ماند و به همین دلیل در بی دادگاههای نظامی شاه به ده سال زندان محکوم شد.

زنده یاد حسین رضایی به مدت ۸ سال در زندان بود و در این مدت همه گونه درخواستهای رژیم برای کوتاه آمدن را مردود اعلام کرد و سرانجام چند ماه قبل از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ با نیروی مردم آزاد شد و تا هنگامی که زنده بود همچنان بر آرمانهای آزادیخواهانه اش ایستادگی کرد.

درگذشت زنده یاد حسین رضایی را از جانب خودم و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به خانواده، دوستان، همراهانش و به آزادیخواهان ایران تسلیت می‌گوییم.

مهدی سامع

یکشنبه ۲ تیر ۱۳۹۲ - ۲۳ ژوئن ۲۰۱۳

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،

۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

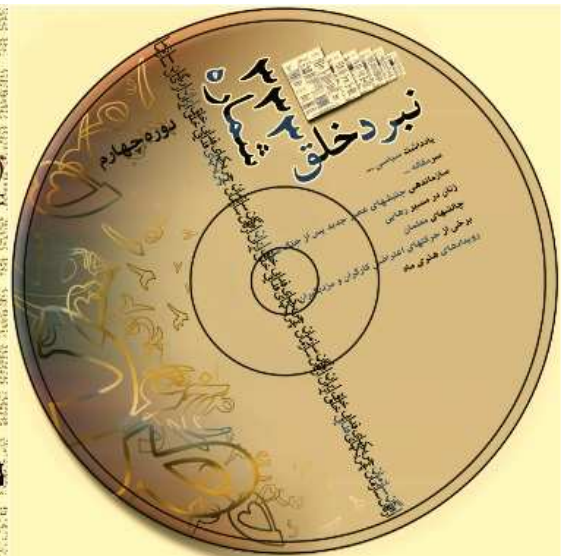
در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: **زینت میرهاشمی و مهرداد قادری**

گفتگو و تبادل نظر با سخنرانان

برنامه هنری ترانه سروده‌های به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 337 July 23, 2013 / Price: \$ 1 – 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org